



http://journaliss.ir

تحلیل حساسیت اتصال مرکز گرای فولادی نسبت به پارامترهای مختلف تحت اثر بارگذاری چرخه‌ای

نرگس حسنلو^۱، نادر فنائی^{۲*}^۱ - دانش آموخته ارشد مهندسی سازه، دانشکده مهندسی عمران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران^۲ - دانشیار، دانشکده مهندسی عمران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران

*fanaie@kntu.ac.ir، ۱۵۸۷۵-۴۴۱۶، صندوق پستی تهران

چکیده

اتصالات مرکزگرا، سیستم‌هایی هستند که در سازه‌ها به کار می‌روند تا آسیب ناشی از زلزله را به واسطه حذف جابه‌جایی نسبی باقی‌مانده به حداقل برسانند. در این تحقیق یک نمونه اتصال مرجع از شش نمونه اتصال گارلوک برای صحت‌سنجی و ارزیابی، انتخاب و در نرم‌افزار آباکوس شبیه‌سازی شد و تحت بارگذاری چرخه‌ای تا ۴ درصد جابه‌جایی نسبی طبقه قرار گرفت. از نبشی‌های بالایی و نشیمن در اتصال به عنوان اتلاف‌کننده‌های انرژی، همراه با کابل‌های با مقاومت بالا با ایجاد خاصیت مرکزگرایی که به موازات تیر کشیده شده‌اند، استفاده می‌شود. در این مقاله تحلیل حساسیت پارامتریک تحت بارگذاری چرخه‌ای بر روی سه پارامتر از جمله مقاومت تسلیم نبشی، نیروی پس‌کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل انجام شد. در محدوده تغییرات پارامترهای اتصال مرکزگرا نتایج حاصل از بارگذاری چرخه‌ای نشان می‌دهد، مقاومت تسلیم نبشی باعث افزایش جزئی ظرفیت خمشی اتصال و توان اتصال در تحمل بار جانبی می‌شود. افزایش نیروی پس‌کشیدگی و سطح مقطع کابل منجر به افزایش خاصیت مرکزگرایی اتصال، ظرفیت خمشی اتصال و ظرفیت باربری جانبی می‌شود. با تغییر تعداد کابل، نتایج نشان داد که با افزایش تعداد کابل، سختی افزایش و شکل‌پذیری کاهش و از طرفی افزایش نیروی مرکزگرایی می‌تواند منجر به آسیب تیر شود.

واژگان کلیدی

اتصال مرکزگرا، تحلیل حساسیت پارامتریک، بارگذاری چرخه‌ای، سختی، اتلاف انرژی

Sensitivity Analysis of Self-Centering Steel Connections to Various Parameters under Cyclic Loading

N. Hasanlou, N. Fanaie

Abstract

Self-centering connections are systems used in structures to minimize earthquake damage by eliminating residual drift. Self-centering systems are one of the novel earthquake-resistant systems that can eliminate permanent earthquake-induced damage in buildings. In these systems, damage can be limited to those members that can be easily replaced after earthquakes. Self-centering connections in steel frames are designed to eliminate inelastic deformation and residual lateral displacement in structural members due to earthquakes. This deformable behavior is produced by creating a gap at the post-tensioned connection. The deformation capacity of this system against lateral forces is very high, and unlike steel frames that rely on the ductility and toughness of structural members, the behavior of self-centering structures is not controlled by the deformation capacity of the materials. The energy loss during seismic loading is not due to the failure of the main structural members but to elements designed as energy dissipaters that can be replaced in case of failure. In this research, a reference connection sample from six Garlock connection samples was selected for verification and evaluation and was simulated in Abaqus software and subjected to cyclic loading up to 4% of relative drift of the floor. In this article, parametric sensitivity analysis under cyclic loading was performed on three parameters, including yield strength of angle, cable post-tensioning force and cable cross-sectional area. In the range of changes in self-centering connection parameters, the results of cyclic loading show that yield strength of angle causes a slight increase in the bending capacity of the connection and the power of the connection in bearing lateral load. The increase in the post tensioning force and cable cross-sectional area leads to an increase in the self-centering property of the connection as well as the bending capacity of the connection and the lateral load capacity. By changing the number of cables, the results showed that with the increase in the number of cables, the stiffness increases and the ductility decreases. Moreover, the increase in self centering force can lead to beam damage.

Keywords

Self-Centering Connection, Parametric Sensitivity Analysis, Cyclic Loading, Stiffness, Energy Dissipation



قاب‌های مقاوم خمشی فولادی یکی از متداول‌ترین سیستم‌های مقاوم در برابر بار جانبی برای سازه‌های ساختمانی چندطبقه و بلندمرتبه هستند. آن‌ها اغلب در برابر زلزله‌های قوی دارای عملکرد رضایت‌بخشی می‌باشند، به شرطی که عمداً تغییرشکل‌های پلاستیک بزرگ با شکل‌پذیری کافی در اعضای خاصی مانند تیرهای فولادی رخ دهد [۱]. پس از زلزله نورتریج^۱ در سال ۱۹۹۴ بیش از ۱۰۰ قاب خمشی فولادی دچار شکست‌های متعددی در اتصالات جوشی تیر به ستون شدند. استفاده از ورق‌های تقویتی، براکت‌های پیچ‌ومهره یا جوش‌داده‌شده و کاهش عرض بال تیر جهت کنترل تشکیل مفصل پلاستیک پیشنهاد شد که در مقایسه با اتصالات قبل از زلزله نورتریج، منجر به تسلیم و کماتش موضعی قابل‌توجهی در تیرها و ایجاد جابه‌جایی پسماند^۲ خواهند شد. این امر موجب افزایش تمایل به توسعه سیستم‌های نوینی شده است که پس از زلزله به حالت اولیه بازگردند و آسیب سازه را به حداقل برسانند [۲]. یکی از این سیستم‌ها، اتصالات مرکزگرایی فولادی است که از کابل‌ها یا میلگردهای پس‌کشیده با مقاومت بالا به موازات جان تیر در طول بازه قاب که توسط گیره‌مهری^۳ به بال ستون‌های خارجی قاب مهار شده است، استفاده می‌شود. کابل‌ها می‌توانند حداکثر جابه‌جایی و تغییرمکان پسماند سازه قاب فولادی را به میزان قابل‌توجهی کاهش دهند. این اتصالات به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که تحت اثر بارگذاری چرخه‌ای، رفتار هیستریزیس مطلوبی همراه با سختی مناسب و اتلاف انرژی کنترل‌شده از خود نشان دهند [۳].

برای اولین بار مفهوم اتصالات پس‌کشیده در سیستم‌های بتنی پیش‌ساخته، در سال ۱۹۹۰ مورد استفاده قرار گرفت. پرایستلی^۴ و مکری^۵ اتصالات پس‌کشیده برای سازه‌های قاب بتنی پیش‌ساخته بدون نبشی‌های فولادی برای اتلاف انرژی را در سال ۱۹۹۳ مورد آزمایش قرار دادند [۴]. نتایج نشان داد که جابه‌جایی نسبی کم‌تری نسبت به بتن مسلح یکپارچه دارند.

رایکلز^۱ و همکاران در سال ۲۰۰۱ اتصالات مرکزگرایی را برای استفاده در قاب خمشی معرفی کردند [۵]. این اتصال دارای کابل‌های پس‌کشیده و نبشی‌های نشیمن و بالایی برای اتلاف انرژی بود. همچنین رایکلز این اتصالات را به‌صورت تحلیلی و با استفاده

از المان فایبر مدل‌سازی کرد و مورد تحلیل استاتیکی غیرالاستیک و تاریخنچه زمانی دینامیکی قرار داد. نتایج این بررسی‌ها نشان داد که این اتصالات، قابلیت مرکزگرایی دارند و دارای سختی، مقاومت و شکل‌پذیری کافی هستند.

گارلوک^۶ و همکاران در سال ۲۰۰۵ مطالعات تجربی شش نمونه اتصال در مقیاس کامل را ارائه کردند که تحت بارگذاری چرخه‌ای قرار دادند [۶]. برای جلوگیری از کماتش موضعی تیر که مانع مرکزگراشدن نمونه و محدودشدن شکل‌پذیری می‌شود، طبق نتایج توصیه شد از ورق تقویتی طولانی‌تر و یا از نیروی پس‌کشیدگی اولیه کوچک‌تر استفاده شود. برای جلوگیری از تسلیم کابل، تعداد بیش‌تری از کابل‌ها با نیروی پس‌کشیدگی اولیه کم‌تر در هر کابل توصیه شد. همچنین گارلوک و همکاران در سال ۲۰۰۶ به‌طور تحلیلی اثرات سختی، مقاومت و دیافراگم کف را بر پاسخ لرزه‌ای یک قاب خمشی مرکزگرا و مؤلفه‌های مختلف از جمله نیروی محوری که در تیر ایجاد می‌شود ارزیابی نمودند [۷]. آن‌ها در سال ۲۰۰۷ یک روند طراحی برای قاب‌های خمشی با اتصالات پس‌کشیده و اعضای جمع‌کننده که قاب مرکزگرا را به دیافراگم کف متصل می‌کند ارائه نمودند [۸].

چو^۸ و همکاران در سال ۲۰۰۶ سه اتصال فولادی پس‌کشیده با مقیاس کامل را تحت بار چرخه‌ای قرار دادند تا عملکرد لرزه‌ای آن‌ها را آزمایش کنند [۹]. این اتصالات از دو تیر پس‌کشیده و ستون‌های قوطی پرشده با بتن تشکیل شده‌اند و در سال ۲۰۰۹ یک نوع اتصال مرکزگرایی نوین را معرفی کردند که در آن تیرهای فولادی پس‌کشیده به ستون‌های بتن‌آرمه متصل شده بودند. برای افزایش ظرفیت اتلاف انرژی، در زیر بال پایینی تیرها، میراگرهای فلزی تسلیم‌شونده تعبیه شده بود. آن‌ها با انجام تحلیل‌های عددی و آزمایش‌ها، نشان دادند که این سیستم می‌تواند ترکیبی مؤثر از مرکزگرایی و جذب انرژی فراهم کرده و در عین حال تغییرشکل‌های پسماند را به حداقل برساند [۱۰].

فهمی و الجبیهی^۹ در سال ۲۰۲۱ دریافتند که در تحقیقات موجود، همبستگی بین عملکرد انعطاف‌پذیری اتصالات تیر-ستون فولادی پس‌کشیده و پاسخ غیرالاستیک سیستم اتلاف انرژی مورد نیاز، مورد توجه قرار نگرفته است [۱۱]. برای این منظور، یک لوله فولادی توخالی دایره‌ای فشرده به‌عنوان یک سیستم اتلاف انرژی قابل تعویض پیشنهاد شد (شکل (۱)).

^۶ Ricles^۷ Garlock^۸ Chou^۹ Algobahi^۱ Northridge^۲ Residual Displacement^۳ Anchorage^۴ Priestley^۵ MacRae

شیراوند و ترابی پور در سال ۲۰۱۷ با هدف رفع مشکلات ناشی از تمرکز تنش و ترک خوردگی در اتصالات جوشی متداول، نوعی اتصال خمشی فولادی پس کشیده طراحی و بررسی نمودند [۱۲]. در این اتصال، با استفاده از کابل های پس کشیده و ورق های اصطکاکی در ناحیه مفصل، عملکرد خمشی مطلوبی حاصل شد و میزان تغییر شکل پسماند به شکل محسوسی کاهش یافت. نتایج تحلیل عددی و آزمایشگاهی آن ها نشان داد که این اتصال، ضمن تأمین سختی اولیه مناسب، توانایی بازگشت به وضعیت اولیه را پس از بارگذاری چرخه ای حفظ می نماید.

گوان^۱ و همکاران در سال ۲۰۱۸ یک مدل عددی از اتصال فولادی مرکزگرا را با استفاده از نبشی بالا و نشیمن به همراه کابل های پس کشیده در نرم افزار اپنسیس^۲ توسعه دادند [۱۳]. هدف از این مدل سازی، بررسی رفتار مرکزگرای اتصال تحت بارگذاری چرخه ای بود. نتایج عددی آن ها با داده های آزمایشگاهی موجود مقایسه و صحت سنجی شد که نشان دهنده دقت مناسب مدل در رفتار هیستریزس و ظرفیت مرکزگرایی اتصال بود.

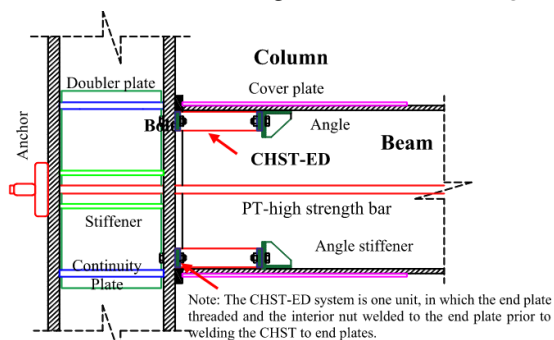
هوانگ^۳ و همکاران در سال ۲۰۲۴ یک نوع اتصال تیر به ستون مرکزگرای جدید با استفاده از نبشی های آلایژ حافظه دار فوق الاستیک معرفی کردند [۱۴]. این اتصال نه تنها خاصیت مرکزگرایی را بهبود می بخشد، بلکه قابلیت استفاده مجدد پس از زلزله را نیز افزایش می دهد. نتایج آزمایش ها حاکی از عملکرد مناسب این نوع اتصال در جذب انرژی و جلوگیری از گسیختگی در ناحیه اتصال است.

شیونگ^۴ و همکاران در سال ۲۰۲۴ قاب مهاربندی شده Y شکلی را پیشنهاد کردند که در آن از اتصالات لغزشی یا تیرهای پیوند برشی استفاده شده است [۱۵]. این قاب با حفظ خاصیت مرکزگرایی، ظرفیت اتلاف انرژی بالاتری در مقایسه با سیستم های متداول از خود نشان داد.

شیراوند و ترابی پور در سال ۲۰۲۰ مطالعه ای عددی بر روی اتصالات فولادی پس کشیده مرکزگرا انجام دادند [۱۶]. در این تحقیق، پارامترهایی چون ضخامت نبشی و مقدار نیروی پس کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت و تأثیر آن ها بر شکل پذیری، سختی و رفتار مرکزگرای اتصال تحلیل شد.

القرنی^۵ و همکاران در سال ۲۰۲۴ به بررسی بهبود رفتار چرخه ای اتصالات فولادی با استفاده از پیچ ها و ورق های آلایژ

حافظه دار پرداختند [۱۷]. نتایج نشان می دهد که استفاده از ترکیب آلایژ حافظه دار می تواند تغییر شکل های پسماند را تا ۹۴ درصد کاهش داده و خاصیت مرکزگرایی را دو برابر کند.



شکل ۱- جزئیات هندسی اتصال با لوله فولادی توخالی [۱۱]

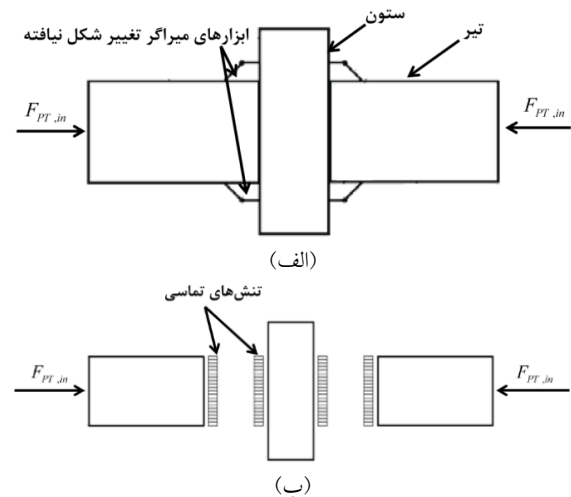
با وجود توسعه چشمگیر این نوع اتصالات در سال های اخیر، بررسی جامع و کمی از تأثیر پارامترهای اصلی طراحی بر رفتار لرزه ای آن ها، به ویژه در بستر بارگذاری چرخه ای و تحلیل حساسیت پارامتریک، هنوز به طور کامل انجام نشده است. در بسیاری از مطالعات پیشین، تنها یک یا دو پارامتر به صورت جداگانه بررسی شده اند و تعامل آن ها با یکدیگر یا دامنه تأثیر آن ها بر پاسخ های لرزه ای اتصال، کم تر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش های صورت گرفته عمدتاً بر تحلیل های تجربی یا مدل سازی کلی رفتار این نوع اتصالات متمرکز بوده اند، اما تاکنون بررسی سیستماتیک و عددی حساسیت اتصال مرکزگرا نسبت به پارامترهای مؤثر طراحی از جمله تنش تسلیم نبشی، نیروی پس کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل، به طور جامع انجام نشده است. در این مقاله ابتدا مدل سازی اتصال پس کشیده فولادی در نرم افزار آباکوس پذیرفته و ضمن صحت سنجی با نتایج آزمایشگاهی گارلوک و همکاران [۶]، تأثیر مقاومت و مشخصات هندسی بر روی رفتار اتصال مورد ارزیابی قرار گرفته است. تحلیل حساسیت پارامتریک، بر سه پارامتر کلیدی شامل تنش تسلیم نبشی، نیروی پس کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل بر پاسخ اتصال مرکزگرای فولادی بررسی و مقایسه شده است. برای بررسی سختی اولیه، ظرفیت اتلاف انرژی، ظرفیت خمشی و دوران اتصال، هر یک از پارامترها ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد افزایش و سپس ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد کاهش داده شده اند. نتایج مدل سازی ها در دو بخش شامل نمودار و نتایج عددی، همچنین نتایج گرافیکی

¹ Guan
² Opensees
³ Huang
⁴ Xiong
⁵ Alqarni

ارائه شده‌اند. برای نخستین بار، تأثیر تعداد کابل‌ها نیز به عنوان یک عامل مکمل در ارزیابی ویژگی‌های سختی، ظرفیت خمشی و خاصیت مرکزگرایی اتصال در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از تحلیل پارامتریک می‌تواند به طراحان در انتخاب مقادیر مناسب این پارامترها برای دستیابی به عملکرد مطلوب‌تر لرزه‌ای، به ویژه در سازه‌های واقع در نواحی لرزه‌خیز، کمک شایانی نماید. همچنین می‌تواند به بهینه‌سازی طراحی اتصالات مرکزگرا با هدف افزایش تاب‌آوری لرزه‌ای و اتلاف انرژی مؤثر، به ویژه در مناطق زلزله‌خیز کمک کند.

۲- رفتار مکانیکی اتصالات PTED

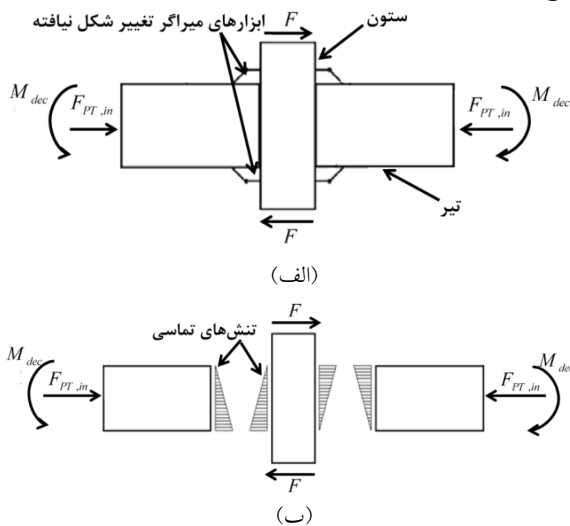
در قاب‌های فولادی دارای اتصالات PTED^۱، انتقال نیروهای داخلی بین تیر و ستون به وسیله اعضای پس کشیده انجام می‌شود که طبق شکل (۲) توزیع یکنواختی از تنش تماسی فشاری را در سطح مشترک تیر و ستون ایجاد می‌کند. به دلیل وجود تنش‌های تماسی، نیروی برشی از طریق اصطکاک بین تیر و ستون انتقال می‌یابد. سیستم‌های دیگری نیز همچون ابزار میراگر با هر دو مکانیسم اصطکاک و تسلیم در انتقال برش نقش دارند. بعد از اعمال نیروی پس کشیدگی، تیرها و ستون‌ها در تماس مستقیم هستند و اتصال مانند یک اتصال صلب معمولی عمل می‌کند که قادر است برای مقادیر کوچک لنگر خمشی، نیروهای برشی و لنگر خمشی را بدون چرخش نسبی تیر به ستون انتقال دهد.



شکل ۲- نمودار جسم آزاد اتصال تیر به ستون PTED برای نشان دادن نیروی پس کشیدگی [۱۸]

مطابق شکل (۳) مقدار نیروی پس کشیدگی برابر با مقدار اولیه خود ($F_{PT,in}$) است و ابزار میراگر تغییر شکل نداده است.

زهانی که لنگر خمشی افزایش می‌یابد، تنش‌های تماسی در سطحی از تیر که به ستون فشرده شده است افزایش می‌یابد، در حالی که تنش در سمت کششی (سمتی که تیر از ستون دور می‌شود) کاهش می‌یابد تا به صفر می‌رسد. لنگر خمشی متناظر با این وضعیت لنگر جداسازی نامیده می‌شود (M_{dec}). در این مرحله، تیرها و ستون هنوز در تماس کامل هستند و رفتار اتصال، خطی است. نیروی اعضای پس کشیده همچنان برابر با مقدار اولیه خود است زیرا در آن‌ها تغییر طولی صورت نگرفته و هیچ تغییر شکلی در ابزار میراگر به وجود نیامده است.



شکل ۳- نمودار جسم آزاد اتصال تیر به ستون PTED در حالت جداسازی [۱۸]

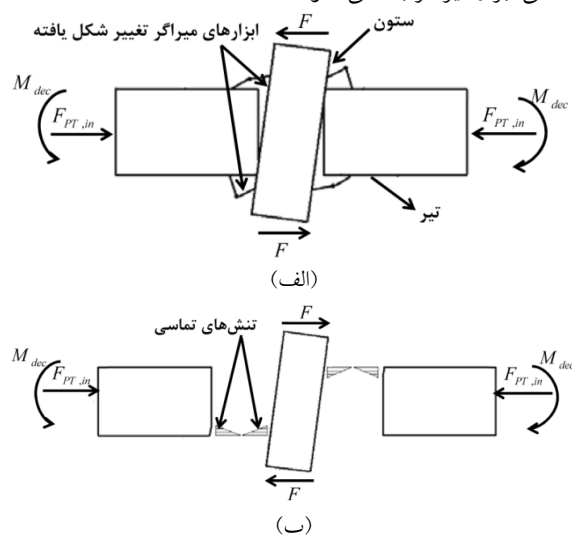
برای مقادیر بزرگ‌تر لنگر خمشی، مطابق شکل (۴) فاصله‌ای میان تیر و ستون به وجود می‌آید و متعاقباً سطح تماس فشاری تیر و ستون کاهش می‌یابد. نیروهای داخلی در گره از طریق نیروهای تماسی در سطح مشترک تیر و ستون در ناحیه محدود ذکر شده، متمرکز شده و به همراه نیروها و لنگرهایی که در ابزار میراگر به وجود می‌آید، انتقال داده می‌شوند. باز شدن فاصله، دو پدیده زیر را به همراه دارد:

- کابل‌های پس کشیده در محدوده الاستیک افزایش طول می‌دهند و در نتیجه نیروی متناظر این اعضا افزایش می‌یابد و به دلیل تمایلی که برای برگشتن به طول اولیه دارند، لحظه به لحظه اتصال را به حالت اولیه بازمی‌گردانند.

- ابزارهای میراگر به دلیل چرخش نسبی بین تیر و ستون تغییر شکل می‌دهند. انرژی وارد شده به سازه به صورت پایدار مستهلک می‌شود و آسیب احتمالی به اعضای میراگر محدود می‌شود.

¹ Posttensioned Energy Dissipation

به دلیل بازشدگی، رفتار اتصال غیرخطی می‌شود. رفتار اعضای سازه‌ای اصلی، تیرها و ستون‌ها و اعضای پس‌کشیده الاستیک، خطی می‌ماند. دلیل اصلی به وجود آمدن رفتار غیرخطی در سیستم، تغییر شرایط مرزی در سطح تماس تیر و ستون است. عامل دیگر این موضوع نیز به تغییر شکل‌های غیرالاستیکی که در ابزار میراگر اتفاق می‌افتد بازمی‌گردد. پس از بازشدن فاصله در سطح مشترک اتصال، سختی سیستم به سختی الاستیک اعضای پس‌کشیده و سختی ابزار میراگر بستگی خواهد داشت.



شکل ۴- نمودار جسم آزاد اتصال تیر به ستون PTED بعد از

بازشدگی [۱۸]

بعد از زلزله انتظار می‌رود که تنها در ابزار میرایی اتصال جابه‌جایی نسبی پسماند باقی بماند و در نتیجه قاب خمشی با اتصال PTED که به درستی طراحی شده است، دچار هیچ‌گونه آسیبی نشود. مشخصاً سیستم پس‌کشیده باید به گونه‌ای طراحی شود که در شرایط بهره‌برداری تماس کامل بین تیر و ستون و اصطکاک کافی برای مقاومت برشی را مهیا نماید. علاوه بر این، رفتار اتصال باید تحت زلزله‌های شدید در محدوده الاستیک باشد، زیرا شکست اعضای پس‌کشیده منجر به از بین رفتن خاصیت مرکزگرایی سیستم می‌شود و مهم‌تر از آن به علت فقدان قابلیت انتقال نیروی برشی باعث فروپاشی کل سیستم خواهد شد.

۳- معرفی اتصال و فرآیند مدل‌سازی

گارلوک و همکاران شش نمونه اتصال میانی در مقیاس کامل با اتصال خمشی تیر به ستون بال پهن پس‌کشیده را مورد آزمایش قرار دادند [۱۹]. شکل (۵-الف) پیکربندی آزمایشگاهی مطالعه تجربی آن‌ها را نشان می‌دهد. در این اتصال از کابل‌های پس‌کشیده که بال‌های تیر را به ستون فشار می‌دهند تا در برابر لنگر وارده

مقاومت نمایند برای تأمین نیروهای بازگرداننده استفاده می‌شود؛ درحالی‌که اجزای اتلاف انرژی (مانند نبشی‌های بالا و نشیمن) برای اتلاف انرژی به کار برده شده‌اند. از ورق‌های پرکننده بین انتهای تیر و بال ستون برای جلوگیری از تماس استفاده می‌شود. به دلیل حضور توام نیروی فشاری و لنگر خمشی در تیر برای جلوگیری از تسلیم بال تیر از ورق‌های تقویتی استفاده شد. طول ورق تقویتی باید به گونه‌ای انتخاب شود که کرنش انتهای ورق تقویتی کمتر از دو برابر کرنش تسلیم شود تا از حالت حدی کماتش موضعی تیر جلوگیری نماید. همچنین از ورق‌های پیوستگی برای پیشگیری از تغییر شکل خارج از صفحه بال‌های ستون و از ورق‌های مضاعف در دو طرف چشمه اتصال برای جلوگیری از تسلیم جان ستون استفاده می‌شود.

۳-۱- ابعاد و هندسه مدل

در این تحقیق به منظور ارزیابی و بررسی اتصالات پس‌کشیده فولادی، از بین شش اتصال مورد مطالعه **گارلوک** (۲۰۰۵) نمونه 36S-P-20 در نرم‌افزار آباکوس مدل‌سازی شده است [۲۰]. جهت مدل‌سازی و صحت‌سنجی مدل عددی از ابعاد و هندسه نشان‌داده‌شده در شکل (۵-ب) استفاده شده است. در این مدل مقطع ستون $W 14 \times 398$ و مقطع تیر $W 36 \times 150$ بوده و از نبشی با ساق‌های مساوی به ابعاد مقطع $L 203 \times 203 \times 19$ نبشی با ساق‌های مساوی به ابعاد مقطع $L 203 \times 203 \times 19$ میلی‌متر و به طول 406 میلی‌متر استفاده شده است. جهت تقویت تیر، ورق‌هایی به ابعاد $1372 \times 356 \times 25$ میلی‌متر و همچنین ناحیه چشمه اتصال توسط ورق‌های پیوستگی و مضاعف با ضخامت 25 میلی‌متر به جان ستون و ورق‌های پرکننده به ابعاد $406 \times 292 \times 32$ میلی‌متر به بال ستون جوش شده‌اند؛ و هریک از نبشی‌های فوقانی و تحتانی توسط یک ردیف چهارتایی و دو ردیف دوتایی پیچ A490 به قطر 32 میلی‌متر به ترتیب به بال و جان ستون متصل می‌شوند. هر کابل پرمقاومت فولادی شامل هفت رشته درهم تنیده فولادی به مساحت کل 140 میلی‌متر مربع بوده که در شش ردیف در عمق جان و دو طرف جان تیر قرار گرفته و در انتهای تیرها مهار می‌شوند.

تمامی اعضا با استفاده از المان‌های پیوسته تغییر شکل‌دهنده سه‌بعدی جامد مدل شده‌اند. المان‌های جامد برای استفاده در تحلیل‌های غیرخطی پیچیده که شامل سطوح تماسی زیاد، پلاستیسیته و تغییر شکل‌های بزرگ هستند، مناسب می‌باشند.

۳-۲- مشخصات مصالح

مقادیر تنش تسلیم و تنش نهایی فولاد استفاده‌شده در جدول (۱) ارائه شده است. تمامی اعضا به‌غیر از کابل‌ها و پیچ‌ها از فولاد

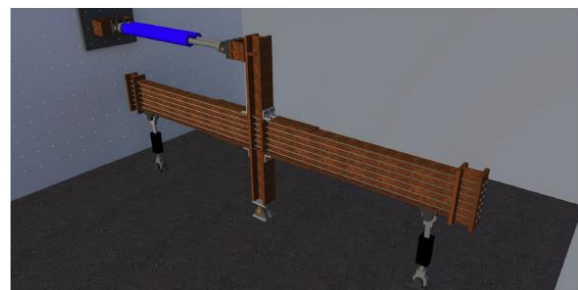
عضو ممکن نیست. این قید از الگوریتم ریاضی Master-Slave استفاده می‌کند و از جدا شدن یا لغزش گره‌های Master از Slave جلوگیری می‌نماید. با توجه به این که مؤلفه‌های جوش شده در طول آزمایش دچار آسیب نمی‌شوند، استفاده از قید مهاري به جای مدل کردن جوش‌ها، تأثیری در جواب تحلیل ندارد. به طور مشخص قید مهاري برای مدل سازی اندرکنش میان اعضای زیر در نظر گرفته شده است: ورق پیوستگی با جان و بال ستون، ورق مضاعف با جان و بال ستون، ورق پرکننده و بال ستون، ورق تقویتی با بال تیر، ورق انتهایی و مقطع تیر و صفحات صلبی که برای اعمال بارگذاری و شرایط مرزی به تیر و ستون متصل شده‌اند.

برای مدل سازی اعضای غیرجوشی از الگوریتم تماس کلی استفاده شده است. این اعضا شامل ورق تقویتی و نبشی، نبشی و سرهای پیچ، سرهای پیچ و بال تیر، سرهای پیچ و بال ستون، ورق پرکننده با مقطع تیر، ورق تقویتی و نبشی، گیره‌های مهاري کابل‌ها با ورق‌های انتهایی، بدنه پیچ با دیوارهای داخلی سوراخ‌های نبشی، تیر، ورق تقویتی و ستون، بدنه کابل با دیوار داخلی سوراخ‌های بال ستون و ورق انتهایی هستند. از گزینه Surface Smoothing که در برنامه موجود است جهت بهبود تنش تماسی برای سطوح منحنی مانند کابل‌ها و پیچ‌ها در مدل حاضر استفاده شده است. محدودیت تماسی بین دو عضو غیرجوشی به وسیله Penalty Method انجام گرفته است. رفتار مماسی و عمودی میان این قسمت‌ها در نظر گرفته شده است. برای رفتار تماسی همه اعضا به جز بدنه پیچ، سوراخ‌های مربوط به پیچ، بدنه کابل و سوراخ‌های مربوط به کابل، ضریب اصطکاک ۰/۳۵ مطابق با دستورالعمل‌های AISC 360-16 در نظر گرفته شده است [۲۱]. رفتار مماسی اعضای نام‌برده به صورت بدون اصطکاک در نظر گرفته شده است. رفتار عمودی به صورت تماس سخت^۴ اعمال شده تا از نفوذ دو سطح مجاور در یکدیگر جلوگیری نماید.

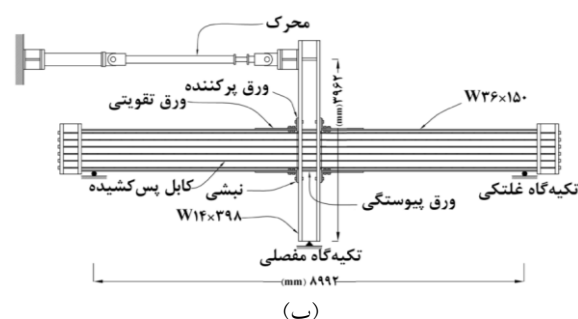
۳-۴- مش بندی

المان‌های تشکیل دهنده تمامی اجزای اتصال، المان‌های سه‌بعدی شش‌وجهی C3D8R (هشت گره‌ای خطی) با انتگرال کاهش یافته مدل شده‌اند. این المان‌ها شش‌وجهی و هشت گره‌ای بوده و دارای یک نقطه برای انتگرال‌گیری در مرکزشان هستند؛ یک مش بندی خوب از المان‌های C3D8R می‌تواند جواب بهینه‌ای با دقت کافی و در زمان تحلیل کم‌تر ارائه دهد. مش‌های کوچک‌تری

ASTM A572 رده ۵۰ ساخته شده‌اند. پیچ‌ها از جنس فولاد ASTM A490 و کابل‌ها از فولاد ASTM A416 هستند. مدول الاستیسیته و نسبت پواسون فولاد مورد استفاده به ترتیب ۲۰۰ گیگاپاسکال و ۰/۳ است. برای مدل سازی رفتار غیرخطی فولاد از مدل الاستو-پلاستیک با تسلیم فون‌میزس^۱ همراه با کرنش سخت‌شوندگی^۲ استفاده شده است.



(الف)



(ب)

شکل ۵- تنظیمات قاب پس کشیده (الف) نمای سه‌بعدی پیکربندی آزمایشگاهی (ب) تنظیمات نمونه در مدل سازی اجزای محدود [۱۴]

جدول ۱- خصوصیات مصالح [۶]

قطعه	تنش تسلیم σ_y (MPa)	تنش نهایی σ_u (MPa)
بال تیر	۳۶۲	۴۹۸
جان تیر	۴۱۴	۵۲۷
ورق تقویتی	۳۹۷	۵۷۴
بال ستون	۳۵۶	۴۹۹
جان ستون	۳۴۵	۴۹۶
نبشی	۳۸۳	۵۴۵
کابل پس کشیده	۱۶۲۰	۱۹۰۰

۳-۳- سطوح تماسی

برای مدل کردن اندرکنش میان اعضای جوش شده، از قید مهاري^۳ استفاده می‌شود که در این حالت هیچ گونه حرکت نسبی میان دو

^۴ Hard Contact

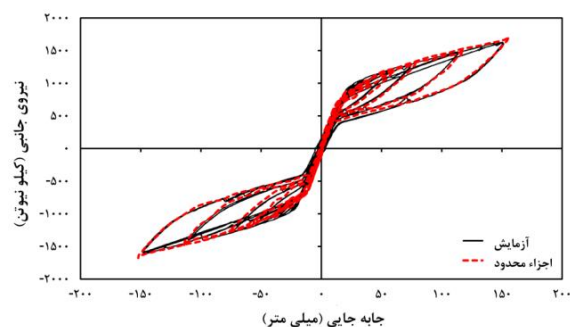
^۱ Von Mises

^۲ Isotropic Hardening

^۳ Tie Constraint

۴- صحت سنجی

شکل (۶) نمودار نیروی جانبی-جابه جایی یکنواخت اتصالات پس کشیده را در مقایسه با پاسخ چرخه ای از آزمایشات گارلوك و همكاران (۲۰۰۵) نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود، انطباق قابل قبولی بین منحنی پاسخ تحلیلی و تجربی برای نمونه وجود دارد.



شکل ۶- مقایسه پاسخ نیروی جانبی-جابه جایی به دست آمده از مدل اجزای محدود و آزمایشگاهی 36s-20-P [۱۹]

نتایج تحلیل المان محدود هم از نظر پیش بینی ویژگی های پاسخ (مانند سختی اولیه، K_i و حداکثر ظرفیت باربری F_{max}) و رفتار حالت حدی (شامل نوع آسیب و شروع آسیب) قابل قبول تلقی می شوند. مقدار حداکثر نیروی جانبی به دست آمده از تحلیل عددی انجام شده در این نمونه ۱۷۳۴ کیلو نیوتن است. مقادیر نیروی جانبی بر اساس نتایج تحلیل آزمایشگاهی توسط گارلوك و همكاران ۱۶۳۶ کیلو نیوتن بود و در نتیجه اختلافی معادل ۶ درصد برای نتایج نیرو بین دو تحلیل عددی و آزمایشگاهی وجود دارد.

۴-۱- سختی اولیه

تحت لنگر اعمال شده، اتصال در ابتدا به عنوان یک اتصال کاملاً مهار شده عمل می کند، تا زمانی که θ_r برابر با صفر است در آن سختی اولیه شبیه به اتصال خمشی جوشی است. سختی اتصال پس از باز شدن فاصله اتصال با سختی محوری الاستیک کابل های پس کشیده و نبشی های فولادی مرتبط است که به عنوان سختی پسماند نام گذاری شده است. با ادامه بار گذاری به دلیل تسلیم شدن نبشی ها سختی اتصال کاهش می یابد [۲۳].

سختی اولیه اتصال مرکزگرا ۴۵۸۵۵ کیلو نیوتن بر متر است که تقریباً برابر با اتصال جوشی است. قابل ذکر است که مدل اجزای محدود سختی اولیه را کمی بالاتر از قاب آزمایش شده نشان

در نواحی اطراف چشمه اتصال که تغییرات بیش تری را در تنش و کرنش تجربه می کنند و همچنین نبشی ها که دچار تسلیم می شوند و مفصل پلاستیک تشکیل می دهند نیز در نظر گرفته شده است. برای اطمینان از دقت تحلیل و همگرایی نتایج، کیفیت مش بندی در مدل اجزای محدود با استفاده از ابزار صحت سنج داخلی نرم افزار آباکوس مورد ارزیابی قرار گرفت. در این ارزیابی، پارامترهایی نظیر نسبت ابعاد^۱، انحراف هندسی^۲ و دترمینان ژاکوبین به عنوان شاخص های کیفی مش در نظر گرفته شدند. مش هایی که دارای مقادیر خارج از محدوده قابل قبول بودند، به صورت موضعی اصلاح یا مجدد مش بندی شدند. این فرآیند به کاهش خطاهای عددی، دقت بیش تر در توزیع تنش ها و پایداری همگرایی تحلیل غیرخطی تحت بارگذاری چرخه ای کمک شایانی نمود.

۳-۵- بارگذاری و شرایط مرزی

تکیه گاه پای ستون از نوع مفصلی است و چرخش آزادانه نیز دارد. تکیه گاه های انتهای تیر از نوع غلتکی بوده که در فاصله ۴۴۹۶ میلی متری از مرکز ستون در نظر گرفته شده است (جابه جایی عمودی صفر است). برای جلوگیری از حرکت خارج از صفحه تیرهای تحت بار چرخه ای، جابه جایی آنها بسته شده است. در آزمایش گارلوك و همكاران (۲۰۰۵) بارهای وارده توسط دو محرک به بالای ستون اعمال می شوند؛ مدل تحت بار چرخه ای قرار گرفته است. بار چرخه ای به صورت تغییرمکانی در بالای ستون و بر اساس پروتکل بارگذاری مطابق با SAC 1997 است [۲۲]. آزمایش چرخه ای با جابه جایی نسبی ۴٪ تا زمانی که منجر به شکست در نمونه شود ادامه می یابد.

۳-۶- روش و مراحل تحلیل

در این مطالعه، برای تحلیل رفتار اتصال تحت بارگذاری چرخه ای، از تحلیل دینامیکی صریح^۳ در نرم افزار آباکوس استفاده شده است. این نوع تحلیل برای مسائل گذرای غیرخطی و بارگذاری های رفت و برگشتی مناسب بوده و از روش انتگرال گیری صریح برای حل معادلات حرکت بهره می برد. نوع تحلیل مدل ها به صورت استاتیکی غیرخطی بوده که شامل تحلیل غیرخطی مصالح و هندسه است. تحلیل در دو مرحله انجام می شود. در مرحله اول، تحلیل مربوط به پس کشیدگی کابل ها و در مرحله دوم، تحت بار چرخه ای انجام می شود.

¹ Aspect Ratio

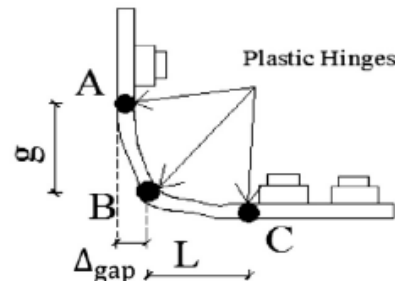
² Skewness

³ Explicit Dynamic Analysis

می‌دهد. نتایج بیان‌کننده آن است که اتصالات فولادی پس‌کشیده می‌تواند مقاومت و سختی کافی را برای قاب خمشی تحت بارگذاری چرخه‌ای فراهم نماید.

۴-۲- اتلاف انرژی

به‌طور کلی، ظرفیت اتلاف انرژی قاب‌های فولادی پس‌کشیده به نبشی بالا و پایین بستگی دارد. هنگامی که باربرداری رخ می‌دهد، نبشی‌های فولادی انرژی را تلف می‌کنند و در نهایت، اتصال به نقطه صفر تغییر شکل خود بازمی‌گردد. یعنی فاصله بین تیر و ستون بسته می‌شود. اتلاف انرژی با ناحیه محصور شده توسط حلقه‌های نمودار نیروی جانبی-جابه‌جایی مرتبط است که با DE^1 ارائه شده است. سازوکار اتلاف انرژی در این اتصالات بر اساس تشکیل سه مفصل پلاستیک در هر نبشی مانند شکل (۷) است. با توجه توزیع کرنش پلاستیک در نبشی نقطه‌ای که دارای کرنش پلاستیک بالا هستند مستعد تشکیل مفصل پلاستیک و اتلاف انرژی هستند.



شکل ۷- سازوکار اتلاف انرژی در اتصالات مرکزگرای پس‌کشیده پس از بارگذاری [۲۴]

۴-۳- ظرفیت باربری (مقاومت نهایی)

مقاومت نهایی (F_{max})، نشان‌دهنده مقاومت حداکثر یک اتصال پس‌کشیده است که شروع هرگونه آسیب یا خرابی به‌عنوان سطح ظرفیت نهایی در نظر گرفته می‌شود. با توجه به نتایج عددی مقاومت نهایی اتصال ۱۷۳۴ کیلونیوتن است.

۴-۴- روابط تحلیلی

در اتصال پس‌کشیده فولادی نبشی تحت تنش بالایی قرار می‌گیرد. مفصل پلاستیک و تنش نبشی موجود به‌ترتیب به حد شکست و تنش نهایی می‌رسند. در این بخش دو شاخص شکست برای تشخیص نوع شروع شکست در نبشی‌های فولادی، شکست ترد یا شکست شکل‌پذیر ارائه شده است. بنابراین از شاخص پلاستیسیته (PI)^۲ برای تعیین میزان کرنش پلاستیک و شاخص

گسیختگی (RI)^۳ برای شکست شکل‌پذیر در نبشی‌ها استفاده شد [۲۵].

روابط (۱) و (۲) که برای شاخص پلاستیسیته و رابطه (۳)

برای شاخص گسیختگی استفاده شد به شرح زیر هستند:

$$PI = \frac{PEEQ}{\varepsilon_y} \quad (1)$$

$$PEEQ = \sqrt{\frac{2}{3} \varepsilon_{ij}^p \varepsilon_{ij}^p} \quad (2)$$

از آنجایی که شاخص پلاستیسیته نسبت کرنش پلاستیک معادل که از نرم‌افزار آباکوس گرفته می‌شود به کرنش تسلیم نبشی فولاد است، (ε_{ij}^p) اجزای کرنش پلاستیک در جهات خاص است.

$$RI = \frac{PEEQ}{\exp(-1.5 \frac{\sigma_m}{\sigma})} \quad (3)$$

در معادله شاخص گسیختگی (σ_m) تنش هیدرواستاتیک و (σ) تنش فون‌میزر هستند. شاخص پلاستیسیته، برای اتصال 36S-P-20 از تحلیل و محاسبه، ۱۵۷ به‌دست می‌آید و شاخص گسیختگی، ۰/۶۶ محاسبه شد.

۵- بررسی پارامتریک حساسیت پارامترهای دارای عدم

قطعیت تحت بارگذاری چرخه‌ای

در تجزیه و تحلیل قابلیت اعتماد سازه، تحلیل حساسیت می‌تواند برای اندازه‌گیری چگونگی تأثیر متغیر ورودی بر خروجی مدل استفاده شود [۲۶]. هدف از تحلیل حساسیت (ناشی از پارامتر)، تعیین پارامترهای مهم مدل و اهمیت نسبی آن‌ها است. به‌عنوان مثال، پارامتر A مهم‌تر از پارامتر B است؟ یا اهمیت آن‌ها نسبت به C چیست؟ به‌عبارت دیگر آیا می‌توان پارامترها را به‌ترتیب اهمیت رتبه‌بندی کرد؟ اهمیت به معنای نقش آن‌ها در خروجی است [۲۷].

مراحل معمولی اجرای تحلیل حساسیت شامل موارد زیر است:

۱- طرح آزمایش (تعیین سوالی که در مدل باید پاسخ داده شود) و تعیین ورودی‌هایی که در تحلیل مورد توجه قرار می‌گیرند؛

۲- دومین مرحله در تجزیه و تحلیل حساسیت، تعیین محدوده ورودی‌ها است. انتخاب یک بازه و توزیع آماری مناسب برای در نظر گرفتن عدم قطعیت در هر یک از پارامترهای ورودی مدل، مهم‌ترین مرحله در شبیه‌سازی است و این انتخاب تأثیر مستقیم بر روی

^۲ Plasticity Index

^۳ Rupture Index

^۱ Dissipated Energy

تغییرپذیری پاسخ و همچنین اثر نتایج تحلیل حساسیت دارد؛

۳- مدل مورد مطالعه باید در نرم‌افزار شبیه‌سازی و صحت‌سنجی شود، سپس برای هر بازه تغییرات باید مدل‌ها را ایجاد کرد؛

۴- در تحلیل احتمالاتی، ارزیابی مدل برای هر مجموعه نمونه تولیدشده انجام می‌شود. با توجه به این که یک رابطه ریاضی مشخص بین ورودی و خروجی وجود دارد، در این مرحله باید هر نمونه یا بازه تعیین‌شده به سیستم داده شود و پاسخ سیستم تحت آن محاسبه گردد؛

۵- ارزیابی اثر یا اهمیت نسبی هر پارامتر ورودی بر متغیرهای پاسخ؛

۶- شاخص‌های حساسیت پیشنهادی شامل شاخص حساسیت فردی و شاخص حساسیت تعاملی است. شاخص حساسیت فردی می‌تواند تأثیر فردی متغیر ورودی را بر خرابی سازه اندازه‌گیری نماید. شاخص حساسیت تعاملی می‌تواند مشخص کند که چگونه یک متغیر ورودی بر اثر متغیر ورودی دیگر بر خرابی سازه تأثیر می‌گذارد [۲۸].

در مدل‌های بسیار پیچیده که در آن‌ها استفاده از روش‌هایی مثل مونت‌کارلو^۱ [۲۹] و سوبول^۲ [۳۰] با محدودیت‌هایی مواجه می‌شویم. معمولاً از روش تحلیل حساسیت پارامتریک استفاده می‌شود. در این روش مدل با تعداد تحلیل کم‌تری نسبت به روش‌های دیگر با ترکیب مختلف پارامترها که هر بار یکی از آن‌ها تغییر می‌کند و با تحلیل ابتدایی تأثیر آن‌ها بر خروجی سنجیده می‌شود.

پس از صحت‌سنجی نمونه 36s-P-20، به‌طور جداگانه تأثیر پارامترهای مختلف از جمله تنش تسلیم نبشی (A)، سطح مقطع کابل (B)، نیروی پس‌کشیدگی کابل (C) بر رفتار اتصالات مرکزگرای فولادی انجام شد. در این پژوهش ابتدا محدوده تغییرات هر پارامتر ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد افزایش و سپس ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد کاهش یافت. برای هر پارامتر با تغییرات ذکرشده در جدول (۲)، یک مدل اجزای محدود توسعه داده شد و تحت بارگذاری چرخه‌ای قرار گرفت. به‌عنوان خروجی هر شبیه‌سازی، ابتدا منحنی نیروی جانبی-جابه‌جایی و منحنی لنگر-دوران با

منحنی‌های مدل اصلی مقایسه شد و ویژگی‌های پاسخ مختلف مورد ارزیابی قرار گرفت.

جدول ۲- مدل‌های اجزای محدود برای تحلیل حساسیت

نام مدل	Ns	L_{rp} (mm)	T_0 (kN)	A (mm ²)	σ_y (MPa)	E (GPa)
SA-1	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۴۲۰	۴۴۰	۲/۰۹۹
SA-2	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۴۲۰	۵۲۰	۲/۰۹۹
SA-3	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۴۲۰	۶۰۰	۲/۰۹۹
SA-4	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۴۲۰	۳۶۰	۲/۰۹۹
SA-5	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۴۲۰	۲۸۰	۲/۰۹۹
SA-6	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۴۲۰	۲۰۰	۲/۰۹۹
SB-1	۳۶	۱۳۷۲	۳۵۱۳/۴	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SB-2	۳۶	۱۳۷۲	۴۱۵۲/۲	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SB-3	۳۶	۱۳۷۲	۴۷۹۱	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SB-4	۳۶	۱۳۷۲	۲۸۷۴/۶	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SB-5	۳۶	۱۳۷۲	۲۲۳۵/۸	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SB-6	۳۶	۱۳۷۲	۱۵۹۷	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SC-1	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۴۶۲	۴۰۰	۲/۰۹۹
SC-2	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۵۴۶	۴۰۰	۲/۰۹۹
SC-3	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۶۳۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SC-4	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۳۷۸	۴۰۰	۲/۰۹۹
SC-5	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۲۹۴	۴۰۰	۲/۰۹۹
SC-6	۳۶	۱۳۷۲	۳۱۹۴	۲۱۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SP-P1	۳۶	۱۳۷۲	۴۱۵۲/۲	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SP-P2	۲۴	۱۳۷۲	۴۱۵۲/۲	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SP-P3	۱۸	۱۳۷۲	۴۱۵۲/۲	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SP-P4	۳۶	۱۳۷۲	۴۷۹۱	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SP-P5	۲۴	۱۳۷۲	۴۷۹۱	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹
SP-P6	۱۸	۱۳۷۲	۴۷۹۱	۴۲۰	۴۰۰	۲/۰۹۹

۵-۱-۱-۵- تأثیر تنش تسلیم نبشی

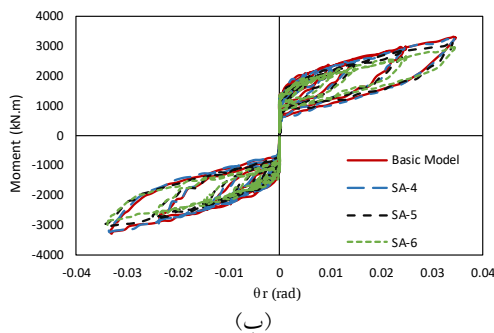
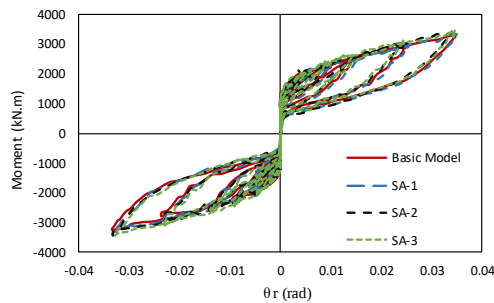
۵-۱-۱-۵- بررسی نتایج عددی

برای ارزیابی تأثیر تغییرات تنش تسلیم نبشی بر روی پاسخ اتصال مرکزگرا طبق جدول (۲) مدل‌های اجزای محدود SA-1، SA-2 و SA-3 به‌ترتیب با ۱۰٪، ۳۰٪ و ۵۰٪ افزایش تنش تسلیم نبشی و همین‌طور مدل‌های اجزای محدود SA-4، SA-5 و SA-6 به‌ترتیب با ۱۰٪، ۳۰٪ و ۵۰٪ کاهش تنش تسلیم نبشی ساخته شده و سپس تحت بارگذاری چرخه‌ای تحلیل شدند. همان‌طور که در شکل (۸-الف) نشان داده شده است با افزایش تنش تسلیم نمودارهای نیروی جانبی-جابه‌جایی نسبت به مدل اولیه تغییرات کم‌تری دارند. با توجه به نتایج عددی تأثیر افزایش تنش تسلیم بر ویژگی‌های پاسخ اتصال بدین شرح است. مکانیزم اتصال به‌گونه‌ای است که ابتدا بازشدگی رخ می‌دهد سپس شیب نمودار

¹ Monte Carlo

² Sobol

همین‌طور با توجه به نتایج حاصل از نمودارهای لنگر-دوران نشان داده شده در شکل (۹)، ظرفیت خمشی اتصال با ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد افزایش تنش تسلیم به ترتیب ۱، ۳/۱ و ۱۰/۲ درصد افزایش می‌یابد و باعث کاهش دوران نسبی بین تیر و ستون شده است. همچنین ظرفیت خمشی اتصال با ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد کاهش به ترتیب ۱/۰۲، ۷/۱۴ و ۱۸/۳۶ درصد کاهش می‌یابد و باعث افزایش جزئی دوران نسبی تیر و ستون می‌شود.

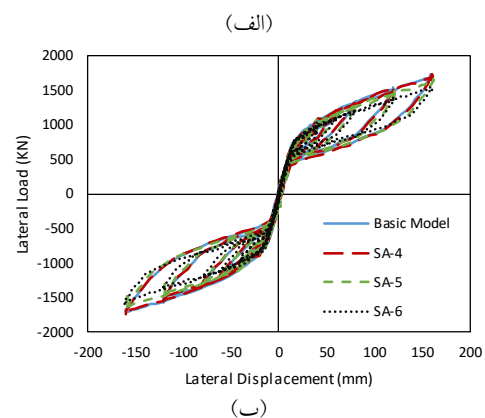
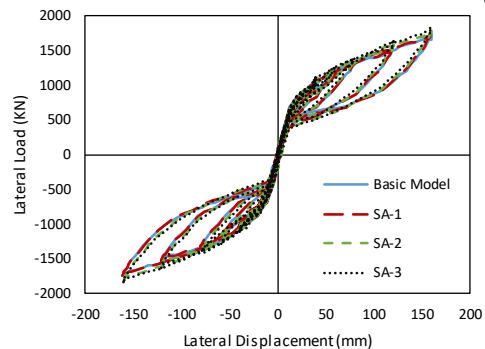


شکل ۹- مقایسه نمودار لنگر-دوران نسبی مدل‌های اجزای محدود با مدل اولیه: الف) SA-1، SA-2 و SA-3 ب) SA-4، SA-5 و SA-6

۵-۱-۲- بررسی نتایج گرافیکی

در اتصال مرکزگرا معمولاً انتهای ماهیچه نبشی و پایین سوراخ ساق نبشی متصل به ستون، تمرکز تنش زیادی وجود دارد و مقدار تنش در این نقاط بسیار بالاتر از سایر نقاط نبشی است. این نقاط روی نبشی کششی، مستعد تشکیل مفصل خمیری هستند. با توجه به تمرکز تنش در نبشی‌ها و تشکیل مفصل خمیری کرنش پلاستیک در نبشی ایجاد می‌شود. بنابراین در شکل‌های (۱۰-الف) الی (۱۰-پ) توزیع کرنش پلاستیک برای مدل‌هایی که افزایش تنش تسلیم داشته‌اند، نشان داده شده است. همان‌طور که مشخص است کرنش پلاستیک نبشی با افزایش تنش تسلیم در اتصال مرکزگرا کاهش می‌یابد. از مقایسه نتایجی که در شکل‌های (۱۱-الف) الی (۱۱-پ) مشخص است، مشاهده می‌شود که مقادیر تنش در تیر اتصال مرکزگرا با افزایش مقاومت تسلیم

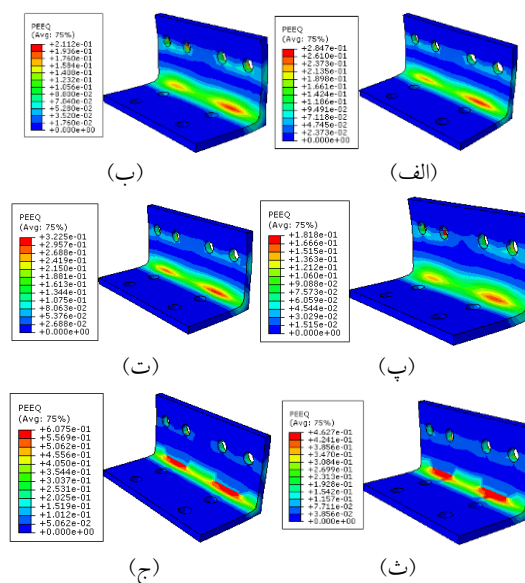
تغییر می‌کند و نبشی شروع به تسلیم می‌نماید. از آنجایی که سختی اتصال قبل از بازشدگی محاسبه می‌شود به همین دلیل تنش تسلیم نبشی تأثیری بر سختی و بازشدگی اتصال ندارد؛ ولی مقاومت نهایی به دلیل افزایش سختی بعد از بازشدگی با ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد افزایش تنش تسلیم نبشی به ترتیب ۱/۲، ۳/۴ و ۶/۳ درصد افزایش و مساحت زیر نمودار نیروی جانبی-جابه‌جایی که بیانگر جذب انرژی نیز می‌باشد با ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد افزایش تنش تسلیم نبشی، به ترتیب ۵/۸، ۰/۸ و ۱۱ درصد کاهش یافت. وقتی تنش تسلیم کاهش داده می‌شود از مقدار نیروی مورد نیاز برای انتقال برش پایین‌تر می‌رود که باعث کاهش ظرفیت باربری اتصال و تغییرات بیش‌تر در نمودار نیروی جانبی-جابه‌جایی که در شکل (۸-ب) نشان داده شده است، می‌شود. مقاومت نهایی با ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد کاهش تنش تسلیم نبشی، به ترتیب ۲/۵، ۸/۷ و ۱۸ درصد کاهش می‌یابد. در اینجا کاهش تنش تسلیم باعث کاهش سختی ثانویه می‌شود به همین دلیل نمودارهای نیروی جانبی-جابه‌جایی نمونه‌ها دچار جمع‌شدگی^۱ شده‌اند. طبق نتایج به دست آمده در جدول (۳)، مساحت زیر نمودار نیروی جانبی-جابه‌جایی با ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد کاهش تنش تسلیم نبشی، به ترتیب ۰/۸۳، ۴/۶ و ۹/۳ درصد افزایش می‌یابد.



شکل ۸- مقایسه نمودار نیروی جانبی-جابه‌جایی مدل‌های اجزای محدود با مدل اولیه: الف) SA-1، SA-2 و SA-3 ب) SA-4، SA-5 و SA-6

^۱ Pinching

افزایش می‌یابد. در شکل‌های (۱۰-ت) الی (۱۰-ج) توزیع کرنش پلاستیک نشان داده شده است. همان‌طور که مشخص است کاهش تنش تسلیم نبشی، افزایش کرنش پلاستیک معادل در نبشی‌ها را به دنبال دارد، این موضوع مؤید افزایش کرنش‌ها و در نتیجه افزایش پتانسیل شکست اعم از ترد یا شکل‌پذیری در این نوع اتصالات در مقطع مورد بررسی شده است. در شکل‌های (۱۱-ت) الی (۱۱-ج) توزیع تنش در تیر اتصال مرکزگرای فولادی نشان داده شده است؛ با کاهش تنش تسلیم نبشی، مقدار تنش ایجادشده در تیر به دلیل تسلیم‌شدن زودتر نبشی‌ها و تمرکز خرابی بر روی نبشی‌ها کاهش می‌یابد.



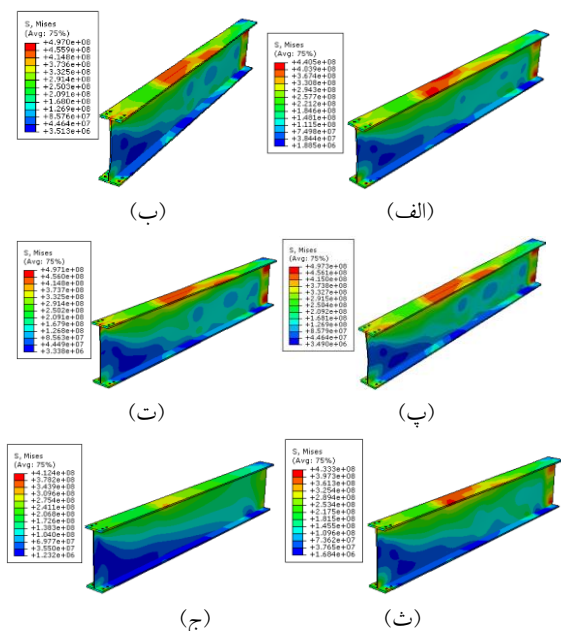
شکل ۱۰- توزیع کرنش پلاستیک نبشی‌های فولادی اتصال مرکزگرا در جابه‌جایی نسبی ۳ درصد: الف) SA-1، ب) SA-2، پ) SA-3، ت) SA-4، ث) SA-5، ج) SA-6

۲-۵- تأثیر نیروی پس‌کشیدگی کابل

۲-۵-۱- بررسی نتایج عددی

برای ارزیابی تأثیر تغییرات نیروی پس‌کشیدگی کابل بر روی پاسخ اتصال مرکزگرا نیروی پس‌کشیدگی کابل ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد افزایش و ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد کاهش داده شدند و طبق جدول (۲) به ترتیب مدل‌های SB-1، SB-2 و SB-3 برای افزایش نیروی پس‌کشیدگی کابل و SB-4، SB-5 و SB-6 برای کاهش نیروی پس‌کشیدگی کابل ساخته شدند و سپس تحت بارگذاری چرخه‌ای تحلیل شدند. از آنجایی که نیروی پس‌کشیدگی کابل باعث ایجاد مرکزگرایی در اتصال می‌شود، هرچه نیروی پس‌کشیدگی کابل افزایش یابد، مرکزگرایی بیش‌تری در اتصال ایجاد می‌گردد. با توجه به این که نیروی لازم برای بازشدگی، افزایش یافته است، سختی و مقاومت نهایی در اتصال بیش‌تر می‌شود.

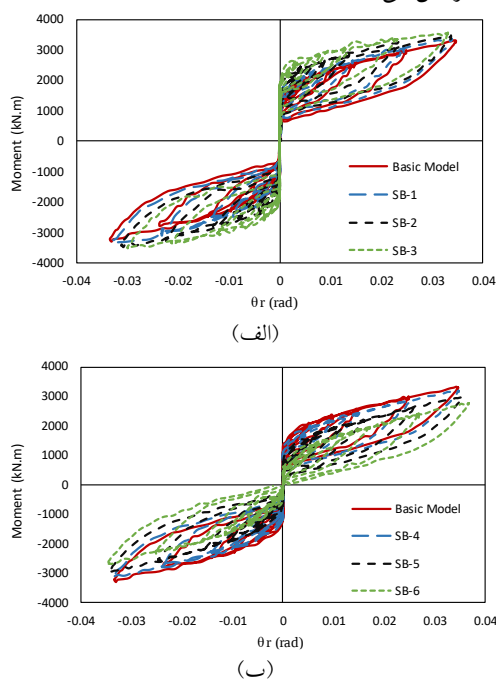
طبق نتایج حاصل از نمودارهای شکل (۱۲-الف) در جدول (۳) با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل به ترتیب سختی اتصال ۲/۸، ۲/۴ و ۲۶/۶ درصد نسبت به سختی اولیه افزایش می‌یابد و با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل مقاومت نهایی اتصال به ترتیب ۲/۲، ۵/۶ و ۷/۶ درصد نسبت به مقاومت نهایی مدل اولیه افزایش می‌یابد.



شکل ۱۱- توزیع تنش و وضعیت تغییر شکل یافته تیر اتصال مرکزگرا در جابه‌جایی نسبی ۳ درصد: الف) SA-1، ب) SA-2، پ) SA-3، ت) SA-4، ث) SA-5، ج) SA-6

همین‌طور نیروی پس‌کشیدگی بر رفتار نبشی‌ها تأثیر می‌گذارد. با بازشدگی بیش‌تر، تسلیم نبشی به تأخیر می‌افتد و تغییر پلاستیک کم‌تری ایجاد می‌شود که با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل، سطح زیر نمودار نیروی جانبی-جابه‌جایی به ترتیب ۱/۲۶، ۳/۸۹ و ۸/۷۶ درصد کاهش پیدا می‌کند. نیروی پس‌کشیدگی کابل، T_0 ، به شدت بر وضعیت حدی شکست نبشی تأثیر می‌گذارد. کاهش نیروی پس‌کشیدگی اولیه کوچک‌تر منجر به جداشدگی زودتر می‌شود و بنابراین باعث افزایش تغییر شکل پلاستیک نبشی‌ها می‌شوند و در نتیجه سطح زیر نمودار نیروی جانبی-جابه‌جایی با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل به ترتیب ۰/۷، ۴/۴ و ۱۰/۷۲ درصد افزایش می‌یابد. با کاهش نیروی پس‌کشیدگی کابل خاصیت مرکزگرایی اتصال کاهش می‌یابد و جداشدگی زودتر اتفاق می‌افتد که منجر به کاهش سختی می‌شود. بنابراین سختی اتصال مرکزگرا با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی

و ۲۲ درصد افزایش می‌یابد. کاهش بیش از اندازه نیروی پس‌کشیدگی کابل منجر به از دست دادن خاصیت مرکزگرایی می‌شود. از آنجایی که نیروی پس‌کشیدگی کابل نسبت به مدل اولیه کم‌تر می‌شود، بازشدگی زودتر اتفاق می‌افتد و در نتیجه لنگر لازم برای جداشدن تیر از ستون کم‌تر می‌شود و همچنین باعث کاهش ظرفیت خمشی اتصال می‌شود. طبق نمودارهای لنگر-دوران در شکل (۱۳-ب) و نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۳) با ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد کاهش نیروی پس‌کشیدگی کابل به ترتیب، لنگر جداشدگی ۱۹/۵، ۴۱/۳ و ۶۵/۲ درصد و ظرفیت خمشی ۲/۰۲، ۱۰/۱۱ و ۲۱/۲۳ درصد کاهش یافته است. هرچه نیروی پس‌کشیدگی کاهش یابد، نیروی مرکزگرایی و نیروی بازگرداننده به موقعیت اولیه تیرها کم می‌شود؛ در نتیجه تیر کاملاً به حالت اولیه باز نمی‌گردد و به همین دلیل دوران نسبی با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل به ترتیب ۰/۶، ۴/۲، ۸/۸۵ درصد افزایش می‌یابد.



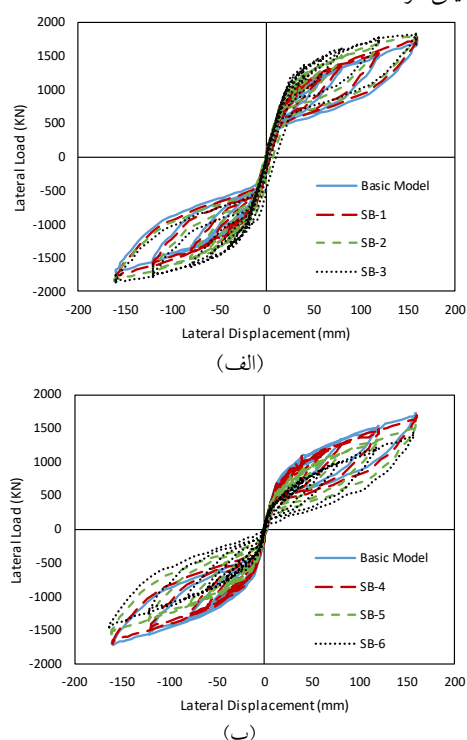
شکل ۱۳- مقایسه نمودار لنگر-دوران نسبی مدل‌های اجزای محدود با مدل اولیه: الف) SB-1، SB-2 و SB-3 ب) SB-4، SB-5 و SB-6

۵-۲-۲- بررسی نتایج گرافیکی

در شکل‌های (۱۴-الف) الی (۱۴-پ) توزیع کرنش پلاستیک برای نمونه‌های اتصال مرکزگرا با افزایش نیروی پس‌کشیدگی با یکدیگر مقایسه شده‌اند. هرچه نیروی پس‌کشیدگی بیش‌تر شود، تغییر شکل‌های پلاستیک ایجاد شده به دلیل تسلیم دیرتر نبشی‌ها کاهش می‌یابد؛ بنابراین کرنش پلاستیک معادل در نبشی فولادی

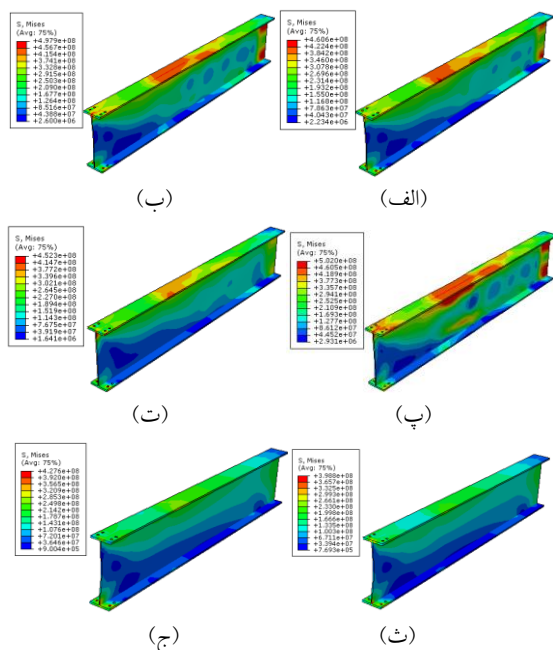
کابل به ترتیب ۲/۲، ۱۵/۵ و ۳۰/۲ درصد کاهش می‌یابد. همان‌طور که در نمودارهای شکل (۱۲-ب) مشخص است مقاومت نهایی اتصال مرکزگرا با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی اولیه به ترتیب ۲/۸۲، ۱۲/۲ و ۲۲/۲ درصد نسبت به مقادیر مدل اولیه کاهش می‌یابد.

با افزایش نیروی پس‌کشیدگی کابل بال‌های تیر تسلیم شده و دچار کماتش موضعی می‌شوند؛ کماتش موضعی سبب ایجاد تغییر شکل پلاستیک باقی‌مانده در اتصال مرکزگرا می‌شود. بنابراین جابه‌جایی پسماند با افزایش ۱۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل ۲/۴ میلی‌متر، با ۳۰ درصد افزایش نیروی پس‌کشیدگی کابل ۶/۲۹ میلی‌متر و با ۵۰ درصد افزایش نیروی پس‌کشیدگی کابل برابر ۱۱/۹ میلی‌متر است.



شکل ۱۲- مقایسه نمودار نیروی جانبی-جابه‌جایی مدل‌های اجزای محدود با مدل اولیه: الف) SB-1، SB-2 و SB-3 ب) SB-4، SB-5 و SB-6

با توجه به نمودارهای لنگر-دوران در شکل (۱۳-الف) و نتایج عددی با افزایش نیروی پس‌کشیدگی کابل، کابل به پارگی تمایل پیدا می‌کند بنابراین باعث دوران کم‌تر اتصال می‌شود. دوران نسبی با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل به ترتیب ۲/۶، ۷/۰۶ و ۲۰/۳ درصد نسبت به دوران نسبی مدل اولیه کاهش می‌یابد. ظرفیت خمشی اتصال نیز با ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد افزایش نیروی پس‌کشیدگی کابل به ترتیب ۲/۸۵، ۱۰/۲ و



شکل ۱۵- توزیع تنش و تغییر شکل تیر اتصال مرکزگرا در جابه‌جایی

نسبی ۳ درصد: الف) SB-1، ب) SB-2، پ) SB-3،

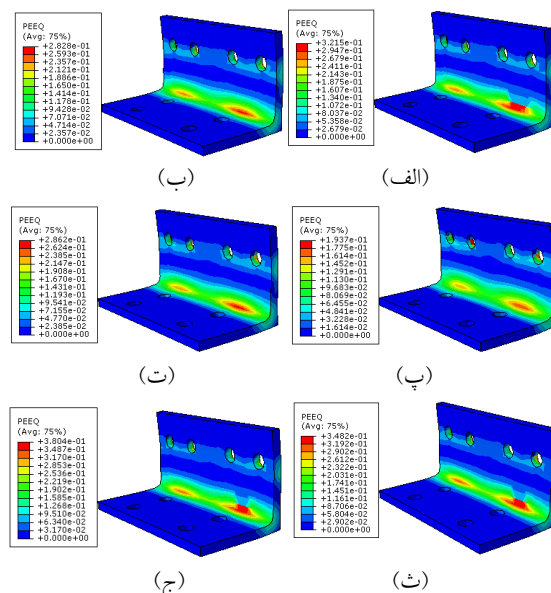
ت) SB-4، ث) SB-5، ج) SB-6

۳-۵- تأثیر سطح مقطع کابل

۱-۳-۵- بررسی نتایج عددی

برای ارزیابی تأثیر تغییرات سطح مقطع کابل بر روی پاسخ اتصال مرکزگرا مطابق جدول (۲) مدل‌های اجزای محدود SC-1، SC-2 و SC-3 به ترتیب برای افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل و مدل‌های SC-4، SC-5 و SC-6 به ترتیب برای کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل ساخته شده و سپس تحت بارگذاری چرخه‌ای تحلیل شدند. در شکل (۱۶-الف) نمودارهای نیروی جانبی-جابه‌جایی و در شکل (۱۷-الف) نمودارهای لنگر-دوران برای افزایش سطح مقطع کابل و همچنین در جدول (۳) نتایج عددی ارائه شده و با مدل اصلی مقایسه شده‌اند. افزایش سطح مقطع کابل سبب افزایش خاصیت مرکزگرایی در برابر نیروی جانبی وارد بر سازه می‌شود. با توجه به این که نیروی پس‌کشیدگی اولیه کابل (T_0) با تغییر سطح مقطع ثابت مانده است حداکثر نیروی ایجاد شده در کابل (T_{max}) با افزایش سطح مقطع کابل رابطه مستقیم دارد. با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل حداکثر نیروی ایجاد شده در کابل‌ها به ترتیب ۵/۳، ۱۷/۸۶ و ۲۹ درصد افزایش داشته است. همین‌طور با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل‌ها به ترتیب سختی اتصال ۴/۵، ۱۶/۵۶ و ۳۳/۳ درصد و مقاومت نهایی اتصال ۱/۵، ۵/۴۲ و ۹/۵ درصد افزایش می‌یابد. با افزایش سطح مقطع کابل به‌ازای نیروی پس‌کشیدگی اولیه ثابت، خاصیت مرکزگرایی افزایش می‌یابد و

با افزایش نیروی پس‌کشیدگی روند کاهشی داشته است. وضعیت تغییر شکل یافته و توزیع تنش در تیر اتصال مرکزگرای فولادی در دوران نسبی ۳ درصد نشان داده شده است. طبق شکل‌های (۱۵-الف) الی (۱۵-پ) با توجه به نیروی پس‌کشیدگی بیش‌تر در کابل‌ها، تنش‌های ایجاد شده در نواحی جان و بال تیر افزایش می‌یابد و به دلیل دلیل ازدیاد تنش به وجود آمده در تیر، کمایش در جان تیر نیز افزایش پیدا می‌کند. همین‌طور افزایش تنش ایجاد شده در بال تیر نیز سبب کمایش موضعی و ایجاد تغییر شکل ماندگار در اتصال می‌شود و در نهایت خرابی بیش‌تری در تیر با نیروی پس‌کشیدگی بالا ایجاد می‌کند. به دلیل کاهش نیروی پس‌کشیدگی و بازشدگی زودتر اتصال، تغییر شکل پلاستیک نبشی همان‌طور که در شکل‌های (۱۴-ت) الی (۱۴-ج) نشان داده شده است، روند افزایشی دارد؛ بنابراین منجر به ایجاد کرنش پلاستیک بیش‌تر می‌شود. در شکل‌های (۱۵-ت) الی (۱۵-ج) توزیع تنش در تیر اتصال مرکزگرای فولادی برای نمونه‌ها با کاهش نیروی پس‌کشیدگی کابل نشان داده شده است. به دلیل کم‌بودن نیروی پس‌کشیدگی کابل و ازدست‌دادن خاصیت مرکزگرایی، تنش ایجاد شده در بال و جان تیر کاهش می‌یابد و ناحیه تسلیم شده در مدل با ۵۰ درصد کاهش نیروی پس‌کشیدگی کابل نسبت به مدل با ۱۰ درصد کاهش نیروی پس‌کشیدگی کابل، کم‌تر می‌شود. در نتیجه بیش‌تر خرابی‌ها در نبشی فولادی متمرکز است و تیر آسیب کم‌تری می‌بیند.

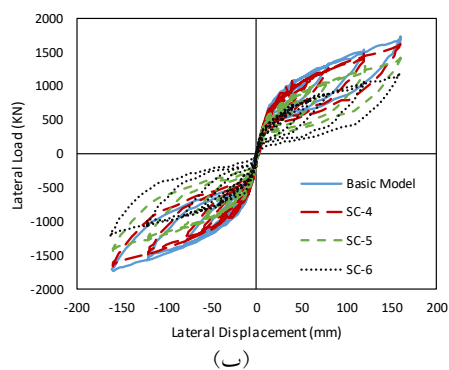
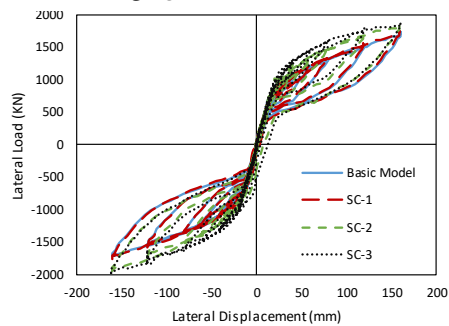


شکل ۱۴- توزیع کرنش پلاستیک نبشی فولادی اتصال مرکزگرا در

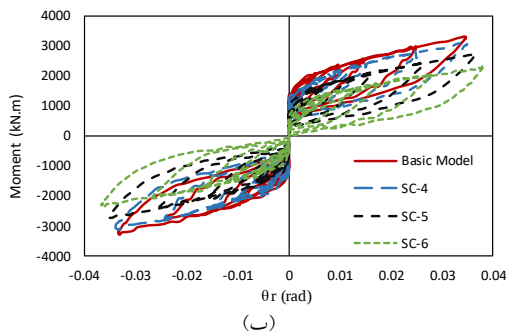
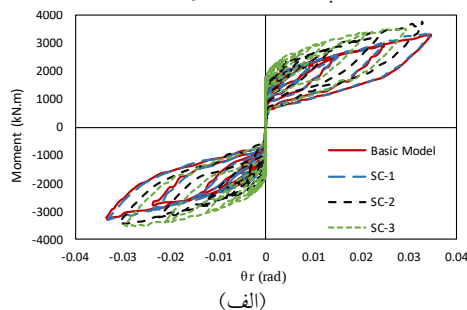
جابه‌جایی نسبی ۳ درصد: الف) SB-1، ب) SB-2، پ) SB-3،

ت) SB-4، ث) SB-5، ج) SB-6

حالت دوران بین تیر و ستون به طور کامل به حالت اولیه باز نمی گردد و دوران نسبی با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد به ترتیب، ۲/۶، ۷/۹ و ۱۲/۶ درصد افزایش می یابد.



شکل ۱۶- مقایسه نمودار نیروی جانبی-جابه جایی مدل های اجزای محدود با مدل اولیه: الف) SC-1، SC-2 و SC-3 ب) SC-4، SC-5 و SC-6



شکل ۱۷- مقایسه نمودار لنگر-دوران نسبی مدل های اجزای محدود با مدل اولیه: الف) SC-1، SC-2 و SC-3 ب) SC-4، SC-5 و SC-6

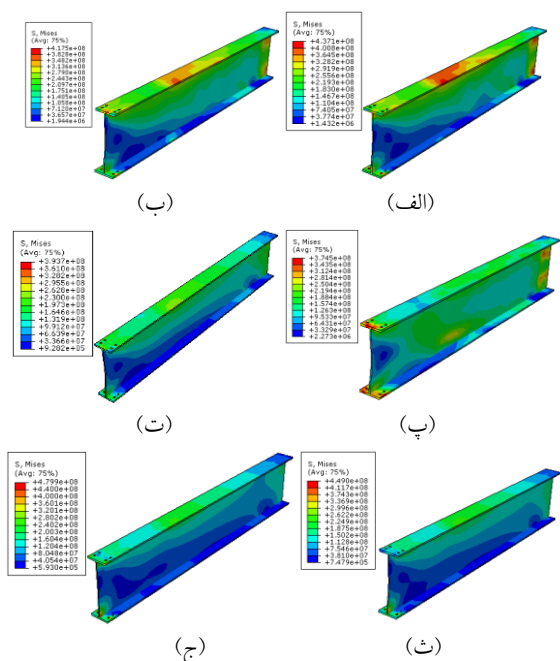
تسلیم نبشی ها به تأخیر می افتد؛ به همین دلیل سطح زیر نمودار نیروی جانبی-جابه جایی با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل به ترتیب، ۱/۹، ۸/۹ و ۱۵/۶ درصد کاهش می یابد. با کاهش سطح مقطع کابل، کابل ضعیف تر می شود بنابراین حداکثر نیروی کمتری در کابل ایجاد می شود که با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل حداکثر نیروی ایجاد شده در کابل به ترتیب ۱/۸، ۱۰/۷ و ۲۵ درصد کاهش یافته است. از طرفی خاصیت مرکزگرایی اتصال کم تر شده و موجب بازشدگی زودتر بین تیر و ستون می شود. طبق نمودارهای نیروی جانبی-جابه جایی شکل (۱۷-ب) حداکثر مقاومت اتصال با کاهش سطح مقطع کابل به ترتیب ۶/۳، ۱۷/۹ و ۳۰/۹ درصد کاهش می یابد. همچنین بازشدگی زودتر، نشان دهنده کاهش سختی اولیه اتصال است که سختی اولیه با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل به ترتیب ۳/۸، ۲۰/۱ و ۳۴/۱ درصد کاهش می یابد. طبق نتایج حاصل در جدول (۳) حداکثر مقاومت اتصال با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل به ترتیب ۶/۳، ۱۷/۹ و ۳۰/۹ درصد کاهش می یابد. همچنین بازشدگی زودتر، منجر به تسلیم شدن سریع تر نبشی ها و افزایش تغییر شکل پلاستیک می شود. بنابراین مساحت زیر نمودار نیروی جانبی-جابه جایی با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل به ترتیب ۱/۸، ۷/۲ و ۱۷/۶ درصد افزایش می یابد. تسلیم بال تیر و کمانش موضعی تیر منجر به رفتار پلاستیک شده و باعث ایجاد تغییر شکل پلاستیک باقی مانده در اتصال می گردد. با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل جابه جایی باقی مانده به ترتیب ۱/۶ میلی متر، ۵/۷۲ میلی متر و ۱۰/۷ میلی متر است.

افزایش سطح مقطع کابل اتصال با نیروی پس کشیدگی اولیه ثابت، باعث قوی تر شدن کابل می شود. در نتیجه پس کشیدگی کابل ها سخت تر شده و به همین دلیل بازشدگی نیز دیرتر اتفاق می افتد و از طرفی ظرفیت خمشی اتصال با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل، به ترتیب ۳/۸، ۱۳/۳ و ۲۱/۴ درصد افزایش می یابد. به دلیل نیروی بازگرداننده بیش تر، بازشدگی سریع تر به حالت اولیه بر می گردد و به همین دلیل دوران نسبی با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل، به ترتیب ۲/۹، ۵/۶ و ۱۴/۱ درصد کاهش می یابد. نمودارهای لنگر-دوران برای کاهش سطح مقطع کابل در شکل (۱۷-ب) ارائه شده است.

ظرفیت خمشی اتصال به دلیل کاهش ظرفیت باربری اتصال با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل، به ترتیب ۱/۱، ۹/۲ و ۲۹/۶ درصد کاهش یافته است. همچنین کاهش سطح مقطع کابل باعث کاهش نیروی بازگرداننده اتصال می گردد. در این

۵-۳-۲- بررسی نتایج گرافیکی

همان‌طور که در شکل‌های (۱۸-الف) الی (۱۸-پ) نشان داده شده است با افزایش سطح مقطع کابل، کرنش پلاستیک به دلیل خاصیت مرکزگرایی بیش‌تر و تسلیم دیرتر نبشی کاهش می‌یابد. در شکل‌های (۱۹-الف) الی (۱۹-پ) توزیع تنش و وضعیت تغییرشکل یافته مدل‌های SC-1، SC-2 و SC-3 نشان داده شده است که با افزایش سطح مقطع کابل تنش بیش‌تری در بال و جان تیر ایجاد می‌شود که این تنش بیش‌تر، منجر به کماتش موضعی جان و بال شده که هر چه سطح مقطع بیش‌تر می‌شود تنش ایجادشده بیش‌تر و در نتیجه تغییرشکل نیز افزایش می‌یابد. در شکل‌های (۱۸-ت) الی (۱۸-ج) توزیع کرنش پلاستیک نبشی برای کاهش سطح مقطع کابل نشان داده شده است. با توجه به این که سطح مقطع کابل در نمونه‌های شبیه‌سازی شده این بخش کاهش می‌یابد، به‌ازای نیروی پس‌کشیدگی اولیه ثابت کابل با سطح مقطع کم‌تر ضعیف‌تر شده و در نتیجه سریع‌تر کشیده می‌شود و نبشی زودتر تسلیم شده و باعث ایجاد تغییرشکل پلاستیک بیش‌تر می‌گردد؛ بنابراین کرنش پلاستیک با کاهش سطح مقطع روند افزایشی خواهد داشت. در شکل‌های (۱۹-ت) الی (۱۹-ج) توزیع تنش در جان و بال تیر نشان داده شده است که با کاهش سطح مقطع کابل کاهش می‌یابد.

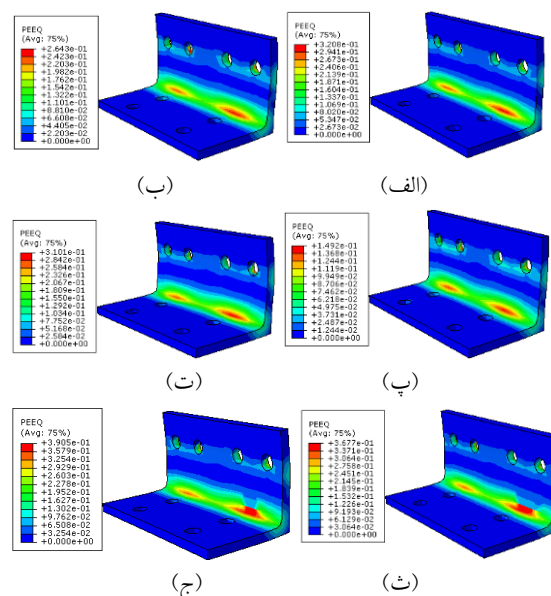


شکل ۱۹- توزیع تنش و تغییرشکل تیر اتصال مرکزگرا در جابه‌جایی نسبی ۳ درصد: الف) SC-1، SC-2 و SC-3
ب) SC-4، SC-5 و SC-6

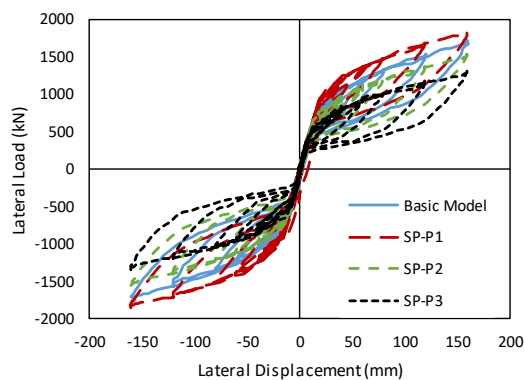
۵-۴- تأثیر تغییر تعداد کابل

با توجه به نتایج بخش‌های قبلی نیروی پس‌کشیدگی کابل از فاکتورهای تأثیرگذار بر روی ویژگی‌های پاسخ اتصال مرکزگرا است. از طرف دیگر افزایش نیروی پس‌کشیدگی کابل سبب کاهش اتلاف انرژی می‌شود. برای تأمین استهلاک انرژی و همچنین به دلیل افزایش بیش از حد ظرفیت مرکزگرایی که موجب آسیب‌رساندن به تیر می‌شود، هم‌زمان بررسی تأثیر تغییر تعداد کابل با ثابت نگه‌داشتن نیروی پس‌کشیدگی مدل‌سازی‌ها انجام شد.

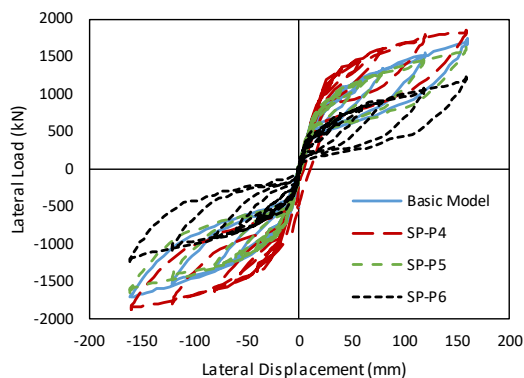
برای انجام تحلیل حساسیت بر روی اتصال مرکزگرا با تعداد کابل متغیر، مدل‌ها طبق جدول (۲) در نرم‌افزار آباکوس مدل‌سازی شدند. در جدول (۲) مدل‌های SP-P1 تا SP-P3 با ثابت نگه‌داشتن نیروی پس‌کشیدگی کابل بر روی ۳۰ درصد مقدار اولیه SP-P4 تا SP-P6 به ترتیب با ثابت نگه‌داشتن نیروی پس‌کشیدگی کابل بر روی ۵۰ درصد مقدار اولیه نیروی پس‌کشیدگی کابل (۳۱۹۴ کیلو نیوتن) مدل‌سازی شدند؛ تغییر تعداد کابل بدین صورت در مدل‌سازی انجام شد که ابتدا ۳۶ کابل سپس ۲۴ کابل و در نهایت به ۱۸ کابل تغییر یافت. که طبق مقاله گارلوک هر کابل معادل سه رشته درهم تنیده است که برای مدل‌سازی در نرم‌افزار آباکوس ۳۶ کابل معادل ۱۲ کابل، ۲۴ کابل معادل ۸ کابل و ۱۸ کابل معادل ۶ کابل شبیه‌سازی شد. با توجه به نمودارهای



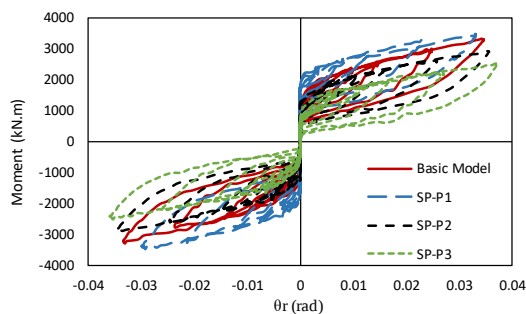
شکل ۱۸- توزیع کرنش پلاستیک نبشی فولادی اتصال مرکزگرا در جابه‌جایی نسبی ۳ درصد: الف) SC-1، SC-2 و SC-3
ب) SC-4، SC-5 و SC-6



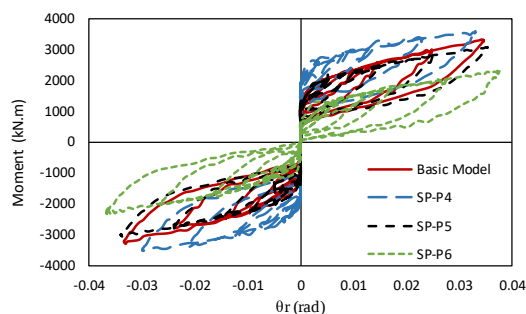
(الف)



(ب)



(پ)



(ت)

شکل ۲۰- مقایسه نمودارهای هیستریزیس مدل‌های SP-P1 تا SP-P6

با مدل اولیه الف) مقایسه نمودارهای نیروی جانبی-جابه‌جایی

مدل‌های SP-P1 تا SP-P3، ب) مقایسه نمودارهای

نیروی جانبی-جابه‌جایی مدل‌های SP-P4 تا SP-P6، پ) مقایسه

نمودارهای لنگر-دوران مدل‌های SP-P1 تا SP-P3، ت) مقایسه

نمودارهای لنگر-دوران SP-P4 تا SP-P6

نیروی جانبی-جابه‌جایی شکل (۲۰-الف) سختی در این حالت برای مدل SP-P2 با ۸ کابل ۲/۱ درصد افزایش و برای مدل SP-P3 با ۶ کابل، چون نیرو کم‌تر از حد معمول شده ۶/۴ درصد کاهش یافته است. برای مدل SP-P1 ظرفیت اتلاف انرژی ۳/۸ درصد کاهش و برای مدل‌های SP-P2 و SP-P3 به ترتیب ۲ و ۶/۳ درصد افزایش یافته است. ظرفیت خمشی اتصال نیز با نیروی پس‌کشیدگی ثابت ۳۰ درصد و تعداد کابل ۸ و ۶ به ترتیب ۱۰/۲ و ۲۴/۳ درصد کاهش یافته است و دوران نسبی تیر نیز با افزایش ۳۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل و کاهش تعداد کابل، روند افزایشی داشته است.

با توجه به نمودارهای نیروی جانبی-جابه‌جایی شکل (۲۰-ب) برای مدل‌هایی که نیروی پس‌کشیدگی کابل بر روی ۵۰ درصد مقدار اولیه همزمان با تغییر تعداد کابل ۵۰ درصد افزایش یافته، ظرفیت اتلاف انرژی برای تعداد ۱۲ کابل به دلیل نیروی پس‌کشیدگی بالا ۹ درصد کاهش یافته است و ظرفیت اتلاف انرژی برای نمونه‌های SP-P4 و SP-P5 با ۶ و ۸ کابل به ترتیب ۰/۹ و ۲/۴ درصد افزایش یافته است. همین‌طور سختی اتصال برای دو مدل SP-P4 و SP-P5 به ترتیب ۱۸/۲ و ۲۶/۵ درصد افزایش داشته و برای مدل SP-P6، ۵/۷ درصد کاهش داشته است. همان‌طور که در شکل‌های (۲۰-پ) و (۲۰-ت) مشخص است اتصال مرکزگرا با ۱۲ کابل تأثیر افزایشی بر روی لنگر جداشدگی و ظرفیت اتلاف انرژی دارد؛ ولی با کاهش تعداد کابل به ۸ اتصال مرکزگرا وضعیت بهتری نسبت مدل‌های دیگر دارد و لنگر جداشدگی و ظرفیت خمشی تقریباً با مدل اولیه برابر است. همان‌طور که در بخش‌های قبل توضیح داده شد به دلیل افزایش بیش از حد مرکزگرایی در اتصال چه با افزایش نیروی پس‌کشیدگی و چه با افزایش تعداد کابل، منجر به ازدیاد نیروی مرکزگرایی کابل نسبت به ظرفیت تیر شده و دوران‌های بالا باعث آسیب‌رساندن به تیر می‌شود. با توجه به نتایج اتصال مرکزگرا در حالت افزایش ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل با تعداد ۸ کابل نسبت به مدل‌های دیگر از وضعیت بهتری برخوردار است.

جدول ۳- نتایج تحلیل‌های عددی مدل‌های اجزای محدود

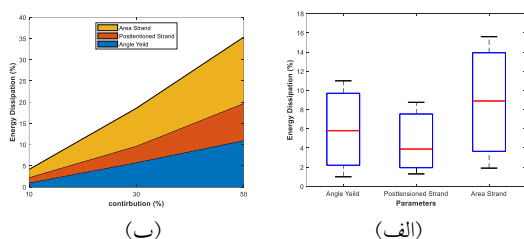
نام مدل	Initial Stiffness (K _i) (kN/m)	F _{max} (kN)	Dissipated Energy (DE) (kJ)	M_{max}/M_p	θ_r max (rad)
SA-1	۴۵۸۹۰	۱۷۵۶	۲۷۳/۴۶	۰/۹۹	۰/۰۳۳۹
SA-2	۴۵۹۱۵	۱۷۹۱	۲۵۹/۱۲	۱/۰۱	۰/۰۳۳۷
SA-3	۴۵۹۹۷	۱۸۴۱	۲۴۲/۳۵	۱/۰۸	۰/۰۳۳۱
SA-4	۴۵۸۷۵	۱۶۹۱	۲۷۶/۳	۰/۹۷	۰/۳۳۸
SA-5	۴۵۸۷۰	۱۵۸۳	۲۸۳/۹	۰/۹۱	۰/۳۴۱
SA-6	۴۵۸۳۵	۱۴۲۱	۲۹۸/۴۵	۰/۸	۰/۳۴۶
SB-1	۴۷۱۷۴	۱۷۷۲	۲۷۲/۲۳	۱/۰۰۸	۰/۰۳۳۱
SB-2	۵۱۵۸۰	۱۸۳۱	۲۶۴/۹۶	۱/۰۸	۰/۰۳۱۶
SB-3	۵۸۰۹۶	۱۸۶۷	۲۵۱/۵۴	۱/۲	۰/۰۲۷۱
SB-4	۴۴۸۸۰	۱۶۸۵	۲۷۷/۴۵	۰/۹۷	۰/۰۳۴۲
SB-5	۳۸۷۷۷	۱۵۳۳	۲۸۷/۷۳	۰/۸۹	۰/۰۳۵۶
SB-6	۳۲۰۳۱	۱۳۴۹	۳۰۵/۲۶	۰/۷۸	۰/۰۳۶۹
SC-1	۴۷۹۷۸	۱۷۶۱	۲۷۰/۴۵	۱/۰۱۷	۰/۰۳۳
SC-2	۵۳۳۴۱	۱۸۲۸	۲۵۱/۴۴	۱/۱۱	۰/۰۳۲۱
SC-3	۶۱۲۱۴	۱۸۹۸	۲۳۲/۰۵	۱/۱۹	۰/۰۲۹۲
SC-4	۴۴۱۲۶	۱۶۲۵	۲۸۰/۶۲	۰/۹۷	۰/۰۳۴۹
SC-5	۳۶۵۴۷	۱۴۲۳	۲۹۳/۷۷	۰/۸۹	۰/۰۳۶۷
SC-6	۳۰۲۱۴	۱۱۹۸	۳۲۱/۴۸	۰/۶۹	۰/۰۳۸۳
SP-P1	۵۱۵۸۰	۱۸۳۱	۲۶۴/۹	۱/۰۸	۰/۰۳۲
SP-P2	۴۶۸۵۱	۱۵۱۷	۲۸۰/۸	۰/۸۸	۰/۰۳۵۲
SP-P3	۴۲۹۱۷	۱۲۸۳	۲۹۲/۴	۰/۷۴	۰/۰۳۷۳
SP-P4	۵۸۰۹۶	۱۸۶۸	۲۵۱/۵	۱/۲	۰/۰۲۷
SP-P5	۵۴۲۵۴	۱۶۲۷	۲۷۷/۶	۰/۹۳	۰/۰۳۵
SP-P6	۴۳۲۵۷	۱۱۸۷	۲۸۱/۱	۰/۶۹	۰/۰۳۶۷

۶- ظرفیت اتلاف انرژی

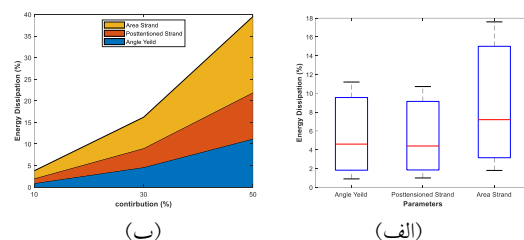
طبق توضیحات بخش قبل، مقایسه درصد تغییرات ظرفیت اتلاف انرژی برای افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سه پارامتر تنش تسلیم نبشی، نیروی پس کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل در شکل (۲۲) نشان داده شده است. نمودار (۲۱-الف) نشان می‌دهد با افزایش نیروی پس کشیدگی و سطح مقطع کابل ظرفیت اتلاف انرژی کاهش می‌یابد که سطح مقطع بیش‌ترین تأثیر و پراکندگی را بر ظرفیت اتلاف انرژی دارد. همچنین با افزایش تنش تسلیم نبشی، ظرفیت اتلاف انرژی کاهش می‌یابد. نمودار (۲۱-ب) نشان می‌دهد که با افزایش پارامترها، ظرفیت اتلاف انرژی کاهش می‌یابد که سطح مقطع کابل سهم قابل توجهی در افزایش آن دارد و نیروی پس کشیدگی کابل کم‌ترین تأثیر را دارد.

شکل (۲۲) درصد تغییرات ظرفیت اتلاف انرژی را با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد هر سه پارامتر تنش تسلیم نبشی، نیروی پس کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار (۲۲-الف) نشان داده شده است کاهش تنش تسلیم نبشی ظرفیت اتلاف انرژی را به دلیل تسلیم زود هنگام نبشی، افزایش می‌دهد. کاهش نیروی پس کشیدگی و سطح مقطع کابل

نیز ظرفیت اتلاف انرژی را افزایش می‌دهند. بنابراین با توجه به نمودار (۲۲-ب) کاهش سطح مقطع بیش‌ترین تأثیر را بر روی افزایش ظرفیت اتلاف انرژی دارد. کاهش تنش تسلیم نبشی تأثیر متوسط و کاهش نیروی پس کشیدگی کم‌ترین تأثیر را دارد.



شکل ۲۱- میزان تغییرات ظرفیت اتلاف انرژی با افزایش سطح مقطع کابل، تنش تسلیم نبشی و نیروی پس کشیدگی کابل



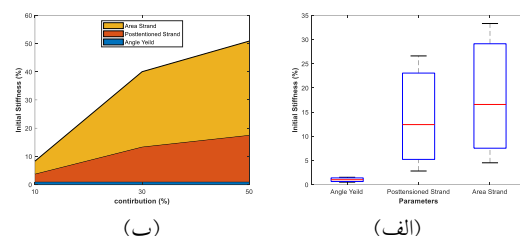
شکل ۲۲- میزان تغییرات ظرفیت اتلاف انرژی با کاهش سطح مقطع کابل، تنش تسلیم نبشی و نیروی پس کشیدگی کابل

۷- سختی اولیه اتصال

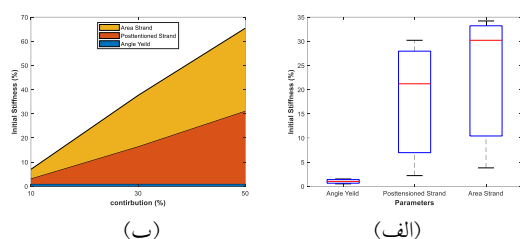
شکل (۲۳) مقایسه سختی اتصال مرکزگرا برای تأثیر افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد هر سه پارامتر تنش تسلیم نبشی، نیروی پس کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل را نشان می‌دهد. با توجه به نمودار (۲۳-الف) و توضیحات بخش قبل با افزایش تنش تسلیم نبشی، سختی اولیه اتصال تغییری نمی‌کند و با افزایش نیروی پس کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل، سختی اولیه افزایش می‌یابد. تأثیر سطح مقطع کابل بیش‌ترین تأثیر و پراکندگی را بر سختی اولیه اتصال نسبت به پارامترهای دیگر دارد. همچنین با توجه به نمودار (۲۳-ب) نیز می‌توان گفت افزایش سطح مقطع کابل سهم قابل توجهی بر تغییرات سختی دارد. نیروی پس کشیدگی تأثیر کم‌تری نسبت به سطح مقطع کابل دارد و تنش تسلیم نبشی تأثیری بر روی سختی اولیه ندارد.

شکل (۲۴) تأثیر کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد هر سه پارامتر تنش تسلیم نبشی، نیروی پس کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل بر روی سختی اولیه را نشان می‌دهد. با توجه به نمودار (۲۴-الف) با کاهش تنش تسلیم نبشی سختی اولیه اتصال تغییر نمی‌کند.

همچنین با کاهش نیروی پس کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل سختی اولیه کاهش می‌یابد. همان‌طور که در نمودار (۲۴-ب) نشان داده شده کاهش سطح مقطع کابل به دلیل ضعیف شدن مقطع کابل، سختی اولیه را به نسبت نیروی پس کشیدگی کابل بیش‌تر کاهش می‌دهد.



شکل ۲۳- میزان تغییرات سختی اولیه با افزایش سطح مقطع کابل، تنش تسلیم نبشی و نیروی پس کشیدگی کابل



شکل ۲۴- میزان تغییرات سختی اولیه با کاهش سطح مقطع کابل، تنش تسلیم نبشی و نیروی پس کشیدگی کابل

۸- شاخص حساسیت

با توجه به بخش ۴-۴ شاخص گسیختگی و شاخص پلاستیسیته به عنوان شاخص‌های حساسیت در این مقاله انتخاب شدند. هرچه شاخص گسیختگی کم‌تر و شاخص پلاستیسیته برای اتصال مرکزگرا بیش‌تر باشد، اتصال از وضعیت بهتری برخوردار است. پس به‌طور خلاصه در بخش قبل سه پارامتر تنش تسلیم نبشی، نیروی پس کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل برای انجام تحلیل حساسیت انتخاب شدند و در مجموع ۲۴ تحلیل تحت بارگذاری چرخه‌ای انجام شد.

شاخص پلاستیسیته با توجه به نتایج عددی جدول (۴) به عنوان شاخص اندازه‌گیری شکست شکل‌پذیر با افزایش تنش تسلیم نبشی به ترتیب در مدل‌های SA-1، SA-2 و SA-3 نسبت به مدل اولیه کاهش می‌یابد. با توجه این که در مدل‌های SB-1، SB-2 و SB-3 نیروی پس کشیدگی افزایش یافته است تغییر شکل پلاستیک نبشی کم‌تر می‌شود. همچنین توزیع کرنش پلاستیک در بخش‌های قبلی نشان داده شده است کاهش می‌یابد و با توجه به رابطه گفته شده در بخش ۴-۴ هرچه توزیع کرنش پلاستیک کاهش یابد، شاخص پلاستیسیته نیز روند کاهشی خواهد داشت.

شاخص پلاستیسیته برای مدل‌های SC-1، SC-2 و SC-3 که سطح مقطع کابل افزایش یافته به دلیل تنش‌های ایجاد شده کم‌تر در اتصال و تغییر شکل پلاستیک کم‌تر، کاهش یافته است. همین‌طور شاخص پلاستیسیته با کاهش تنش تسلیم در مدل‌های SA-4، SA-5 و SA-6 افزایش می‌یابد. برای مدل‌های SB-1، SB-2 و SB-3 نیروی پس کشیدگی کاهش یافته است، توزیع کرنش پلاستیک روند افزایشی داشته است که در بخش قبل به صورت گرافیکی نشان داده شده است؛ شاخص پلاستیسیته برای این حالت افزایش داشته است. برای مدل‌های SC-4، SC-5 و SC-6 که سطح مقطع کاهش داشته است، به دلیل ضعیف بودن کابل به‌ازای نیروی ثابت، تنش‌های ایجاد شده افزایش پیدا می‌کند و با توجه به رابطه گفته شده در بخش ۴-۴ موجب افزایش شاخص پلاستیسیته می‌شود.

شاخص گسیختگی با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۴) برای مدل‌های SA-1، SA-2 و SA-3 که تنش تسلیم نبشی افزایش می‌یابد، نسبت به مدل اولیه کاهش خواهد داشت. شاخص گسیختگی برای مدل‌های SB-1، SB-2 و SB-3 که نیروی پس کشیدگی روند افزایشی دارد، تنش پلاستیک ایجاد شده افزایش پیدا می‌کند. با توجه به رابطه (۳) هرچه تنش افزایش یابد، شاخص گسیختگی روند کاهشی خواهد داشت. شاخص گسیختگی برای مدل‌های SC-1، SC-2 و SC-3 به دلیل ازدیاد سطح مقطع کابل نسبت به مدل اولیه با نیروی ثابت قوی‌تر شده است و منجر به خرابی کم‌تر در اتصال می‌شود و از طرفی توزیع کرنش پلاستیک که در بخش قبلی نشان داده شده روند کاهشی دارد، به همین دلیل شاخص گسیختگی با افزایش سطح مقطع کابل کاهش می‌یابد. با افزایش توام کاهش تعداد کابل با نیروی پس کشیدگی کابل، شاخص گسیختگی به نسبت مدل‌هایی که نیروی پس کشیدگی کم‌تری دارند افزایش می‌یابد.

طبق نتایج جدول (۵) شاخص گسیختگی برای مدل‌های SA-4، SA-5 و SA-6 که تنش تسلیم به صورت کاهشی بوده است به دلیل تسلیم زود هنگام نبشی، افزایش می‌یابد. همین‌طور برای مدل‌های SB-4، SB-5 و SB-6 که نیروی پس کشیدگی روند کاهش دارد، باعث افزایش شاخص گسیختگی می‌شود. با کاهش سطح مقطع کابل در مدل‌های SC-4، SC-5 و SC-6 توزیع کرنش پلاستیک افزایش می‌یابد و به دلیل ضعیف شدن سطح مقطع کابل اتصال تمایل به گسیختگی دارد، به همین دلیل کاهش سطح مقطع منجر به افزایش شاخص گسیختگی می‌شود.

همان‌طور که از نتایج جدول (۴) مشخص است با کاهش تعداد کابل در اتصال مرکزگرا شاخص پلاستیسیته و شاخص

گسیختگی افزایش می‌یابد. با کاهش تعداد کابل شاخص گسیختگی به نسبت مدل‌هایی که نیروی پس‌کشیدگی کم‌تری دارند افزایش می‌یابد.

جدول ۴- شاخص گسیختگی و شاخص پلاستیسته نمونه‌ها با افزایش تنش تسلیم کابل، نیروی پس‌کشیدگی کابل، سطح مقطع و تعداد کابل

مدل	Rupture index	Plasticity index
SA-1	۰/۶۴	۱۵۵
SA-2	۰/۵۷	۱۴۶
SA-3	۰/۴۵	۱۳۲
SB-1	۰/۶۳	۱۵۲
SB-2	۰/۵۳	۱۳۹
SB-3	۰/۴	۱۲۱
SC-1	۰/۶۲	۱۵۵
SC-2	۰/۵۱	۱۴۳
SC-3	۰/۳۶	۱۳۰
SP-P1	۰/۸۸	۱۷۹
SP-P2	۰/۵۳	۱۳۹
SP-P3	۱/۴	۱۸۵
SP-P4	۱/۶۶	۲۰۸
SP-P5	۰/۴	۱۲۱
SP-P6	۱/۲	۱۷۷

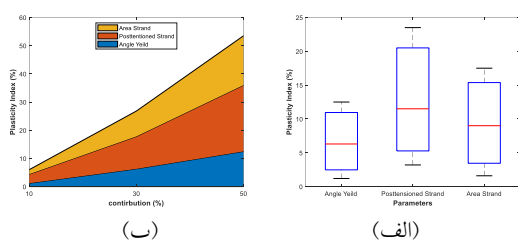
جدول ۵- شاخص گسیختگی و شاخص پلاستیسته نمونه‌ها با کاهش تنش تسلیم کابل، نیروی پس‌کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل

مدل	Rupture index	Plasticity index
SA-4	۰/۶۹	۱۶۰
SA-5	۰/۷۷	۱۶۷
SA-6	۰/۸۸	۱۷۹
SB-4	۰/۷۲	۱۶۵
SB-5	۰/۹۱	۱۸۹
SB-6	۱/۱۴	۲۱۱
SC-4	۰/۶۹	۱۶۸
SC-5	۰/۸	۱۷۸
SC-6	۰/۹۹	۱۸۸

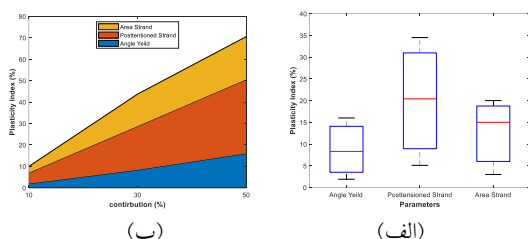
شکل (۲۵-الف) میزان تغییرات شاخص پلاستیسته برای افزایش سه پارامتر را نشان می‌دهد. همان‌طور که در بخش‌های قبلی توضیح داده شد با افزایش تنش تسلیم نبشی به میزان ۱۰،

۳۰ و ۵۰ درصد به‌ترتیب شاخص پلاستیسته ۱/۲، ۷ و ۱۲/۵ درصد کاهش می‌یابد. با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی به‌ترتیب ۳/۲، ۱۱/۵ و ۲۳ درصد کاهش داشته است و همین‌طور با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل به‌ترتیب ۱/۲، ۹ و ۱۷/۵ درصد کاهش یافته است. با توجه به شکل‌های (۲۵-الف) و (۲۵-ب) افزایش نیروی پس‌کشیدگی کابل سهم قابل‌توجهی در کاهش و پراکندگی شاخص پلاستیسته دارد. افزایش سطح مقطع کابل تأثیر متوسط و همچنین تنش تسلیم نبشی تأثیر کم‌تر بر روی شاخص پلاستیسته دارد.

شکل (۲۶-الف) میزان تغییرات شاخص پلاستیسته برای کاهش سه پارامتر را نشان می‌دهد. شاخص پلاستیسته با کاهش تنش تسلیم نبشی به میزان ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد به‌ترتیب ۱/۹، ۹/۵ و ۱۶ درصد کاهش می‌یابد. با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی به‌ترتیب ۵/۱، ۲۰/۳ و ۳۴/۵ درصد کاهش داشته است و همین‌طور با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل به‌ترتیب ۳، ۱۳/۳ و ۲۰ درصد کاهش یافته است. با توجه به شکل‌های (۲۶-الف) و (۲۶-ب) کاهش نیروی پس‌کشیدگی کابل سهم قابل‌توجهی در افزایش و پراکندگی شاخص پلاستیسته دارد. کاهش سطح مقطع کابل و تنش تسلیم نبشی تأثیر کم‌تری بر روی شاخص پلاستیسته دارند.



شکل ۲۵- میزان تغییرات شاخص پلاستیسته با افزایش سطح مقطع کابل، تنش تسلیم نبشی و نیروی پس‌کشیدگی کابل

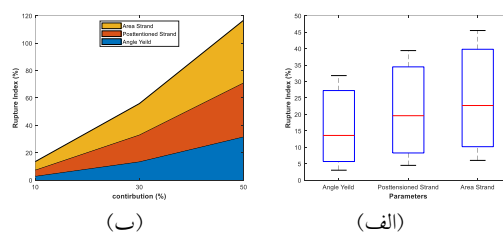


شکل ۲۶- میزان تغییرات شاخص پلاستیسته با کاهش سطح مقطع کابل، تنش تسلیم نبشی و نیروی پس‌کشیدگی کابل

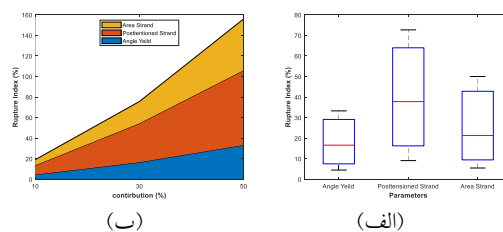
طبق شکل (۲۷-الف) شاخص گسیختگی با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد تنش تسلیم نبشی به‌ترتیب ۳/۰۳، ۱۳/۶ و ۳۱ درصد کاهش می‌یابد. با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی

پس کشیدگی کابل شاخص گسیختگی به ترتیب ۴/۵، ۱۹/۶ و ۳۹/۴ درصد کاهش داشته است و همین طور با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل به ترتیب ۶۰/۱، ۲۲/۷ و ۴۵/۵ درصد کاهش یافته است که بیش ترین تأثیر و پراکندگی را بر روی شاخص گسیختگی دارد. با توجه به نمودار (۲۷-ب) افزایش سطح مقطع کابل تأثیر زیادی بر کاهش شاخص گسیختگی دارد. افزایش نیروی پس کشیدگی کابل تأثیر متوسط و همچنین افزایش تنش تسلیم کم ترین تأثیر را بر روی کاهش شاخص گسیختگی دارند.

شکل (۲۸-الف) میزان تغییرات شاخص گسیختگی برای کاهش سه پارامتر را نشان می دهد. شاخص گسیختگی با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد تنش تسلیم نبشی به ترتیب ۴/۵، ۱۶/۵ و ۳۳/۳ درصد افزایش می یابد. کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس کشیدگی کابل شاخص گسیختگی را به ترتیب ۸/۱، ۳۷/۸ و ۷۲/۷ درصد افزایش می دهد که بیش ترین پراکندگی را بر روی شاخص گسیختگی دارد و همین طور با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل به ترتیب ۵/۵، ۲۱/۲ و ۵۰ درصد افزایش یافته است. با توجه به نمودار (۲۸-ب) می توان گفت کاهش نیروی پس کشیدگی تأثیر زیادی بر افزایش شاخص گسیختگی دارد. کاهش سطح مقطع کابل تأثیر متوسط و همچنین کاهش تنش تسلیم کم ترین تأثیر را بر روی افزایش شاخص گسیختگی دارند.



شکل ۲۷- میزان تغییرات شاخص گسیختگی با افزایش سطح مقطع کابل، تنش تسلیم نبشی و نیروی پس کشیدگی کابل



شکل ۲۸- میزان تغییرات شاخص گسیختگی با کاهش سطح مقطع کابل، تنش تسلیم نبشی و نیروی پس کشیدگی کابل

۹- نتیجه گیری

این مقاله تأثیر چهار پارامتر را در پاسخ چرخه ای اتصال پس کشیده فولادی ارزیابی کرد. این مطالعه بر اساس شبیه سازی اجزای محدود

سه بعدی انجام شد. استفاده از مدل سازی اجزای محدود و به طور خاص تحلیل صریح، روشی بهینه را برای بررسی اتصالات مرکزگرا که دارای ابعاد بزرگ، جزئیات زیاد، سطوح تماسی بسیار و عوامل ناپوستگی چون کماتش و گسیختگی هستند، فراهم می کند. تحلیل اجزای محدود به خوبی قادر است رفتار اتصالات دارای نبشی بالا و پایین را تحت بارگذاری چرخه ای پیش بینی نماید و فرضیات به کاررفته در مدل سازی این اتصالات قابل اعمال در شبیه سازی اتصالات مرکزگرا است. ابتدا صحت سنجی مدل ها ارائه شد. با توجه به صحت سنجی صورت گرفته، مشخص شد که مدل سازی اتصال پس کشیده با استفاده از روش عددی، رفتار چرخه ای این اتصال را به خوبی نشان می دهد. با استفاده از روش تحلیل حساسیت پارامتریک، یک مطالعه حساسیت انجام شد. متغیرهای در نظر گرفته شده در پژوهش شامل پارامترهای مربوط به مصالح و هندسه است. نتایج اهمیت هر پارامتر را بر ویژگی های پاسخ اتصال پس کشیده تعیین نمود. این متغیرهای پاسخ شامل سختی اولیه اتصال، ظرفیت اتلاف انرژی، ظرفیت خمشی اتصال و بررسی شاخص گسیختگی و شاخص پلاستیسته می شود. در این مقاله برای انجام تحلیل حساسیت بر روی پارامترهای اتصال مرکزگرا سه پارامتر تنش تسلیم نبشی، نیروی پس کشیدگی کابل، سطح مقطع و تعداد کابل بدین منظور انتخاب شدند و در نهایت کم اهمیت ترین و با اهمیت ترین پارامتر انتخاب شد. با توجه به مطالعات انجام شده بر روی اتصال مرکزگرای فولادی با نبشی نشیمن و بالایی، برخی از نتایج حاصل به طور خلاصه ارائه می گردد:

۱- با انجام تحلیل پارامتریک بر روی اتصال مرکزگرا با تغییرات تنش تسلیم نبشی، مشاهده شد که با افزایش تنش تسلیم نبشی میزان حداکثر بازشدگی اتصال و حداکثر نیروی ایجاد شده در کابل تغییری نمی کند. با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد تنش تسلیم نبشی به ترتیب ظرفیت اتلاف انرژی ۰/۸، ۷/۸ و ۱۱ درصد کاهش می یابد و ظرفیت خمشی اتصال نیز به اندازه ۱، ۳/۱ و ۱۰/۲ درصد افزایش می یابد. همچنین کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد تنش تسلیم نبشی، بر روی سختی اتصال تأثیری ندارد و ظرفیت اتلاف انرژی اتصال را به ترتیب ۰/۸۳، ۶/۴ و ۹/۳ درصد افزایش و ظرفیت خمشی اتصال را ۱/۰۲، ۷/۱۴ و ۱۸/۳۶ درصد کاهش می دهد.

۲- با انجام تحلیل پارامتریک بر روی اتصال مرکزگرا با تغییرات نیروی پس کشیدگی کابل، مشاهده شد که با افزایش نیروی پس کشیدگی به میزان ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد، به ترتیب سختی به میزان ۲/۸، ۱۲/۴ و ۲۶/۶ درصد افزایش و همچنین ظرفیت اتلاف انرژی به میزان ۱/۲۶، ۳/۸۹ و ۸/۷۶ کاهش می یابد و افزایش ظرفیت خمشی اتصال با افزایش پس کشیدگی موجب

کمانش موضعی بال تیر و در نهایت موجب جابه‌جایی پسماند در اتصال می‌شود. با کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل، به ترتیب سختی اتصال ۲/۲، ۱۵/۵ و ۳۰/۲ کاهش و ظرفیت اتلاف انرژی ۰/۷، ۴/۴ و ۱۰/۷۲ درصد افزایش می‌یابد. همین‌طور ظرفیت خمشی اتصال ۲/۰۲، ۱۰/۱۱ و ۲۱/۲۳ درصد کاهش می‌دهد.

۳- با انجام تحلیل پارامتریک بر روی اتصال مرکزگرا با تغییرات سطح مقطع کابل، مشاهده شد که با افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سطح مقطع کابل نسبت به مقدار اولیه، سختی به ترتیب ۴/۵، ۱۶/۵۶ و ۳۳/۳ درصد افزایش و ظرفیت اتلاف انرژی ۱/۹، ۸/۹ و ۱۵/۶ درصد کاهش می‌یابد. همین‌طور ظرفیت خمشی اتصال به ترتیب ۳/۸، ۱۳/۳ و ۲۱/۴ درصد افزایش پیدا می‌کند. با کاهش سطح مقطع کابل به میزان ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد، به ترتیب سختی اولیه ۳/۸، ۲۰/۱ و ۳۴/۱ درصد کاهش و ظرفیت اتلاف انرژی ۱/۸، ۷/۲ و ۱۷/۶ درصد افزایش می‌یابد. همچنین ظرفیت خمشی اتصال به ترتیب ۱/۱، ۹/۲ و ۲۹/۶ کاهش می‌یابد.

۴- تغییرات شاخص پلاستیسیته برای افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سه پارامتر نشان می‌دهد با افزایش تنش تسلیم نبشی میزان شاخص پلاستیسیته از ۱/۲ تا ۱۲/۵ درصد کاهش می‌یابد. با افزایش نیروی پس‌کشیدگی کابل بین ۳/۲ تا ۲۳ درصد کاهش داشته است و همین‌طور با افزایش سطح مقطع کابل از ۱/۲ تا ۱۷/۵ درصد کاهش یافته است. میزان تغییرات شاخص پلاستیسیته برای کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سه پارامتر نشان می‌دهد که با کاهش تنش تسلیم میزان شاخص پلاستیسیته از ۱/۹ تا ۱۶ افزایش و با کاهش نیروی پس‌کشیدگی کابل و سطح مقطع کابل به ترتیب ۵/۱ تا ۳۴/۵ درصد و ۳ تا ۲۰ درصد افزایش می‌یابد.

۶- میزان تغییرات شاخص گسیختگی برای افزایش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سه پارامتر متغیر بدین صورت است که با افزایش تنش تسلیم نبشی میزان شاخص گسیختگی از ۳/۰۳ تا ۳۱ درصد کاهش می‌یابد و نیروی پس‌کشیدگی کابل بین ۴/۵ تا ۳۹/۴ درصد کاهش داشته است و همین‌طور با افزایش سطح مقطع کابل از ۶/۰۱ تا ۴۵/۵ درصد کاهش یافته است. همچنین تغییرات شاخص گسیختگی برای کاهش ۱۰، ۳۰ و ۵۰ درصد سه پارامتر با توجه به نتایج، با کاهش تنش تسلیم میزان شاخص گسیختگی از ۱/۹ تا ۱۶، به ترتیب با کاهش نیروی پس‌کشیدگی و سطح مقطع کابل ۹/۱ تا ۷۲ درصد و ۵/۵ تا ۵۰ درصد افزایش می‌یابد.

۷- برای کاهش آسیب در تیر در اثر افزایش ۳۰ و ۵۰ درصد نیروی پس‌کشیدگی کابل و حذف جابه‌جایی باقی‌مانده اتصال تعداد کابل‌ها را از ۱۲ به ۸ و ۶ تغییر داده نتایج حاصل ابتدا برای

نیروی پس‌کشیدگی ثابت ۳۰ درصد با تغییر تعداد کابل و سپس برای نیروی پس‌کشیدگی ثابت ۵۰ درصد با تغییر تعداد کابل نتایج ارائه شد. طبق نتایج به‌دست‌آمده با ۳۰ و ۵۰ درصد افزایش نیروی پس‌کشیدگی با تعداد کابل ۸ ظرفیت اتلاف انرژی و مرکزگرایی مناسب را نشان داد.

۱۰- پیشنهاد برای مطالعات آتی

۱- رفتار بلندمدت و شرایط محیطی: بررسی تأثیرات نظیر خوردگی، خستگی مصالح و تغییر شکل مشخصات مکانیکی در طول زمان به‌ویژه در کابل‌ها برای درک بهتر عملکرد واقعی سازه در شرایط بهره‌برداری بلندمدت ضروری است.

۲- بهینه‌سازی با رویکرد چند هدفه: استفاده از الگوریتم‌های بهینه‌سازی عددی و فراابتکاری جهت دستیابی به تعادل میان پارامترهایی مانند سختی، شکل پذیری، اتلاف انرژی و خاصیت مرکزگرایی، از مسیرهای مهم آینده است.

۳- تحلیل هزینه-فایده در طول عمر سازه: افزودن معیارهای اقتصادی شامل هزینه ساخت، تعمیر و نگهداری، قابلیت استفاده مجدد و کاهش خسارات بعد از زلزله، می‌تواند مزیت‌های اقتصادی این سیستم را نسبت به سیستم‌های سنتی آشکار سازد.

- [14] Huang, Y.Z., and Wang, J. (2024), "Self-centering steel beam-to-column connections with novel superelastic SMA angles", Journal of Constructional Steel Research, 214, p.108458.
- [15] Xiong, M., Hu, S., Li, X., Lin, X., and Xiong, J. (2024), "Lateral Load Behavior Analysis of a Novel Self-Centering Y-Eccentrically Braced Frames with Slip Connection Shear Link", International Journal of Steel Structures, 24(4), pp.777-788.
- [16] Shiravand, M.R., and Torabipour, A. (2020), "Seismic behavior of self-centering steel connections with friction T-stub", Journal of Constructional Steel Research, 174, p.106309.
- [17] Alqarni, A.S., Alshannag, M.J., and Higazey, M.M. (2024), "A Novel Technique for Improving Cyclic Behavior of Steel Connections Equipped with Smart Memory Alloys", Materials, 17(13), p.3226.
- [18] Esposto, M. (2008), "PTED beam-to-column connections for steel moment resisting frames: structural identification based on numerical analyses", Ph.D. Thesis, Università degli Studi di Napoli Federico II, Naples, Italy.
- [19] Al Kajbaf, A., Fanaie, N., and Najarkolaie, K.F. (2018), "Numerical simulation of failure in steel posttensioned connections under cyclic loading", Engineering Failure Analysis, 91, pp.35-57.
- [20] Hibbit, H., Karlsson, B., and Sorensen, E. (2012), "ABAQUS user manual, version 6.12", Simulia.
- [21] ANSI/AISC 360-16, (2016), Specification for Structural Steel Buildings. American institute of steel construction: Chicago.
- [22] Arlock, M.M., Ricles, J.M., and Sause, R. (2003), "Cyclic load tests and analysis of bolted top-and-seat angle connections", Journal of Structural Engineering, 12, 129, pp.1615-1625.
- [23] Garlock, M.E.M. (2003), "Design, analysis, and experimental behavior of seismic resistant post-tensioned steel moment resisting frames", Lehigh University.
- [24] Shiravand, M., and Mahboubi, S. (2016), "Behavior of post-tensioned connections with stiffened angles under cyclic loading", Journal of Constructional Steel Research, 116, pp.183-192.
- [25] Moradi, S., and Alam, M.S. (2017), "Lateral load-drift response and limit states of posttensioned steel beam-column connections: Parametric study", Journal of Structural Engineering, 7, 143, p. 04017044.
- [26] Kala, Z. (2009), "Sensitivity assessment of steel members under compression", Engineering Structures, 6, 31, pp.1344-1348.
- [27] Ditlevsen, O., and Madsen, H.O. (1996), "Structural reliability methods", Wiley, New York, Vol. 178.
- [28] Verma, A.K. (2016), "Structural reliability," Reliability and Safety Engineering", pp. 257-292.
- [1] Fang, C., Yam, M.C., Chan, T.M., Wang, W., Yang, X., and Lin, X. (2018), "A study of hybrid self-centring connections equipped with shape memory alloy washers and bolts", Engineering Structures, 164, pp.155-168.
- [2] Ricles, J.M., Sause, R., Peng, S.W., and Lu, L.W. (2002), "Experimental evaluation of earthquake resistant posttensioned steel connections", Journal of Structural Engineering, 128(7), pp.850-859.
- [3] Asadolahi, S.M., and Fanaie, N. (2020) "Performance of self-centering steel moment frame considering stress relaxation in prestressed cables", Advances in Structural Engineering, 23(9), pp.1813-1822.
- [4] Priestley, M.N., and MacRae, G.A. (1996), "Seismic tests of precast beam-to-column joint subassemblages with unbonded tendons", PCI Journal, 41(1), pp.64-81.
- [5] Ricles, J.M., Sause, R., Garlock, M.M., and Zhao, C. (2001), "Posttensioned seismic-resistant connections for steel frames", Journal of Structural Engineering, 127(2), pp.113-121.
- [6] Garlock, M.M., Ricles, J.M., and Sause, R. (2018), "Experimental studies on full-scale post-tensioned seismic-resistant steel moment connections", In STESSA 2003-Behaviour of Steel Structures in Seismic Areas, pp.299-305.
- [7] Garlock, M., Li, J., and Blaisdell, M.L. (2006), "Collector beam interaction with steel self-centering moment frames", In Proceedings of the 4th International Conference on Earthquake Engineering. Taipei, Taiwan.
- [8] Garlock, M.M., Sause, R., and Ricles, J.M. (2007), "Behavior and design of posttensioned steel frame systems", Journal of Structural Engineering, 133(3), pp.389-399.
- [9] Chou, C.C., Chen, J.H., Chen, Y.C., and Tsai, K.C. (2006), "Evaluating performance of post-tensioned steel connections with strands and reduced flange plates", Earthquake Engineering and Structural Dynamics, 35(9), pp.1167-1185.
- [10] Chou, C.C., and Lai, Y.J. (2009), "Post-tensioned self-centering moment connections with beam bottom flange energy dissipators", Journal of Constructional Steel Research, 65(10-11), pp.1931-1941.
- [11] Algobahi, R.M., Fahmy, M.F., and Abdo, M.A.B. (2021), "Innovative energy-dissipation system for self-centering posttensioned steel moment-resisting frames", Engineering Structures, 254, p.113835.
- [12] Shiravand, M., and Torabipour, A. (2017), "Post-Tensioned Steel Connections Self-Centering Behavior Using the Finite Element Method", Journal of Structural Engineering and Geo-Techniques, 7(1), pp.15-22.
- [13] Guan, X., Burton, H., and Moradi, S. (2018), "Seismic performance of a self-centering steel moment frame building: From component-level modeling to

- [29] Kowronek, M. (2010), "Probabilistic sensitivity of the limit states of structures using Monte Carlo simulation", *Meccanica*, 6, 45, pp.785–796.
- [30] Kala, Z., and Puklický. L. (2009), "Variance-based methods for sensitivity analysis in civil engineering", in *Computational Structural Engineering: Proceedings of the International Symposium on Computational Structural Engineering*, held in Shanghai, Springer, pp.120-130.

